

درباره الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و عدالت
تبیین «پیشرفت»
(با تکیه بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری)

معاونت پژوهش‌های اقتصادی
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۱۳۶۵۸
اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۷	مفهوم توسعه از منظر مقام معظم رهبری
۱۳	مفهوم پیشرفت از منظر مقام معظم رهبری
۱۹	بیان تفاوت‌های اساسی بین مفهوم پیشرفت و توسعه
۱۹	۱. تفاوت مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی
۲۰	۲. تفاوت در نگاه به انسان
۲۳	۳. تفاوت در بار ارزشی و معنایی دو مفهوم
۲۴	۴. تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه‌یافتگی و معنوی زیستن و اخلاقی بودن
۲۵	۵. غرق شدن در حیات مادی و فراموش کردن ارزش‌های معنوی و ایجاد شکاف بین طبقات جامعه
۲۶	۶. تفاوت در نگاه به عدالت و لزوم وجود آن
۲۸	۷. فراموش کردن اصول ارزشی، اخلاقی، دینی و ایمان
۲۸	۸. جهان‌بینی اسلامی
۳۰	۹. اقتضائات فرهنگی، تاریخی، مواریث و اعتقادی جامعه ایرانی
۳۲	نتیجه‌گیری
۳۴	منابع و مأخذ



درباره الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و عدالت
تبیین «پیشرفت»
(با تکیه بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری)

چکیده

گرچه در اسناد قانونی جمهوری اسلامی ایران بارها از واژه «الگوی توسعه» یا «برنامه توسعه» نام برده شده است، اما در سال‌های اخیر، مقام معظم رهبری بارها از عبارت جایگزین «الگوی پیشرفت» بهره برده‌اند و یکی از علت‌های این انتخاب بار ارزشی و معنایی است که مفهوم توسعه در خود دارد و از این جهت رسیدن به آن، التزامات و پیش‌نیازهایی دارد که با التزامات جامعه اسلامی - ایرانی همراه نبوده و سنخیتی ندارد. بنابراین مفهوم پیشرفت را به‌جای مفهوم توسعه به‌کار گرفته‌اند و معتقدند که این مفهوم وسیع‌تر و فراخ‌تر از واژه توسعه بوده و لازم است به این امر در سیر تکامل تئوری جمهوری اسلامی و تکامل سطح سیاستگذاری کشور توجه شود. ایشان معتقدند که در مسیر فهم پیشرفت باید دریافت که به‌دنبال چه می‌گردیم. این اصل، نکته‌ای کلیدی است که باید متوجه بود پیشرفت جامعه اسلامی ایران با انقلاب و نهضت انقلابی آغاز شده است. ایشان در تقبیح تقلید و اینکه تقلید پیشرفت نیست به صراحت می‌فرمایند که وابسته و غربی شدن پیشرفت نیست. با این بیان در مسیر پیشرفت باید دو اصل «عدالت» و «پیشرفت» در کنار هم دیده شوند. به‌عبارتی در تعریفی از پیشرفت بیان می‌دارند که پیشرفت یعنی از لحاظ علم و عمل و آنچه در دنیا برای یک جامعه لازم است به نتایج مطلوب برسیم و مقصود، پیشرفت همه‌جانبه و پیشرفت در همه ارکان نظام اسلامی است. از منظر معظم‌له دو مفهوم پیشرفت و توسعه دارای تفاوت‌های اساسی از جمله تفاوت مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی، تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه‌یافتگی و معنوی زیستن و اخلاقی بودن، تفاوت در نگاه به انسان، تفاوت در بار ارزشی و معنایی دو مفهوم، غرق شدن در حیات مادی و فراموش کردن ارزش‌های معنوی و ایجاد شکاف بین طبقات جامعه، تفاوت در نگاه به عدالت و لزوم وجود آن، فراموش کردن اصول ارزشی، اخلاقی، دینی و ایمان، جهان‌بینی اسلامی و اقتضائات فرهنگی، تاریخی، مواردی و اعتقادی جامعه ایرانی است.

مقام معظم رهبری در تبیین ضرورت تدوین الگوی پیشرفت بومی اسلامی - ایرانی و تفاوت‌های مبانی پیشرفت با توسعه غربی گفته‌اند، آنچه موجب می‌شود الگوی غربی برای پیشرفت

جامعه ایرانی ناکافی باشد، در درجه اول تفاوت نگاه جامعه غربی به انسان با نگاه اسلام به انسان است. بنابراین باید مدل توسعه در جمهوری اسلامی ایران به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، مواردی و اعتقادات و ایمان مردم یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران باشد.

مقدمه

در بادی امر به نظر می‌رسد توسعه (با تأکید بر ابعاد اقتصادی آن) برای تمامی کشورها و همه مردم جهان، یک آرمان است و همه تمایل دارند تا ظرفیت، توان مادی و معنوی کشور خود را افزایش دهند و در جامعه جهانی در پناه تکامل ظرفیت‌ها و توانایی‌ها، کشوری قدرتمند و سرافراز داشته باشند. در این صورت ورود به مسیر توسعه به معنی جایگزینی فقر با رفاه، بیسوادی با تخصص و مهارت، وابستگی فنی و تکنولوژیک با استقلال و پیشتازی در علوم مستلزم اصول اولیه و پیشتازهای ارزشی و نهادی است که در قالب مدل‌ها و استراتژی‌های رایج توسعه به آنها پرداخته نمی‌شود. از سوی دیگر نباید براساس دید ظاهری، استنباط مکانیکی از توسعه شکل گرفته و برمبنای آن پدیده توسعه تنها در یک وجه و در مجموعه‌ای از پروژه‌های زیربنایی و صنعتی خلاصه شود. درحالی که توسعه فرآیندی پیچیده، مرکب و چندوجهی است.

در حوزه علوم اجتماعی از واژه «توسعه»^۱ معانی مختلفی مستفاد شده و بر این اساس تعاریف متعددی در عرصه‌های گوناگون ارائه شده‌اند. در تبیین توسعه گاهی آن را مترادف یا جایگزین مفاهیمی از قبیل «رشد»،^۲ «ترقی»،^۳ و «تکامل»^۴ شمرده و گاهی آن را همراه با مفاهیمی از قبیل «مدرنیته و نوسازی»^۵ و «غربی‌سازی»^۶ به کار گرفته‌اند. در هر حال مفهوم واژه «توسعه» در مبانی فکری و فلسفی غرب ریشه دارد و در حوزه انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، اقتصادی و... با مبانی فکری و فلسفی شرق به نحو عام و اسلام و دیگر ادیان آسمانی به نحو خاص متفاوت است. از این جهت فرآیند توسعه در جوامع غربی از بار ارزشی و هنجاری متفاوتی نسبت به جوامع شرقی و به‌ویژه ادیان آسمانی و اسلام برخوردار است. با این بیان تمامی آنچه در توسعه غربی حادث شده، عیناً قابل پیاده‌سازی در جهان اسلام نیست. البته در غرب هیچ‌گونه تلاش عام، فراگیر و برنامه‌ریزی شده برای توسعه به عمل نیامده و تغییر در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و

-
1. Development
 2. Growth
 3. Progress
 4. Evolution
 5. Modernization
 6. Westernization



فرهنگی جوامع غربی حاصل تحول اجتماعی دو قرن گذشته بوده است.^۱ انتقاد از جهانشمول بودن الگوی توسعه‌ای کشورها هم در مکاتب قرن نوزدهم مانند مکتب تاریخی آلمان و هم در مکاتب قرن بیستم از جمله ساختارگرایی، نهادگرایی، پست‌مدرنیسم و پساتوسعه‌گرایی^۲ سابقه‌ای طولانی دارد. به‌عنوان جدیدترین دیدگاه، پساتوسعه‌گرایان معتقدند نگرش «توسعه» روکنشی برای ترویج شیوه تفکر و شیوه زندگی مدرنیته است و باید درخصوص محتوا و حتی زبان و واژگان این پارادایم بازنگری صورت گیرد.

از جهت دیگر ناتوانی نظریه‌های اقتصادی موجود در حل مشکلات کشورهای درحال توسعه برای محققان حوزه توسعه اقتصادی از مدت‌ها پیش آشکار شده است. در این‌باره گفته شده: «الگوی اقتصادی مورد پذیرش در بیشتر کشورهای درحال توسعه همان الگوی اقتصادهای پیشرفته صنعتی و مبتنی بر نظام اقتصادی بازار بوده است. درحالی که این الگوها به‌علت وجود نهادها و ساختارهای اجتماعی متفاوت در کشورهای درحال توسعه قادر به حل مشکلات آنها نیستند و در این مورد باید کوشش جدی برای شناخت چگونگی روابط اقتصادی - بین‌المللی میان کشورهای غنی و فقیر صورت گیرد».^۳

بسیاری از اشتباهات اولیه نظریه اقتصاد توسعه از اینجا ناشی شد که فرضیه‌ها و مفاهیم از یک کشور یا منطقه خاص با ویژگی‌های معین و منحصر به‌فرد و بدون هیچ تعدیل و تطبیقی به دیگر مناطق جهان با ویژگی‌ها و خصوصیات متفاوت انتقال یافته و عیناً به‌کار گرفته شده است. ازسوی دیگر بی‌حاصل بودن این اقدامات توسعه‌ای و بعضاً دستاوردهای نامطلوب و در نتیجه تضييع منابع، به‌زودی این باور را در اذهان نشانده که هر کشور باید در چارچوب مقتضیات و داده‌های اقلیمی، محیطی، انسانی و نهادی خود طرح خاصی از توسعه را طراحی کرده و به اجرا بگذارد. به‌عبارت دیگر هیچ الگوی از پیش تعیین شده و جهانشمول برای راهبری جامعه در مسیر توسعه وجود ندارد.

توسعه اقتصادی در یک تعریف کلی، عبارت است از رشد اقتصادی همراه با تغییر و تحولات کیفی. به‌عبارت دیگر توسعه اقتصادی ابعاد کمی و کیفی تغییر در متغیرهای اقتصادی را نه به‌صورت مکانیکی، بلکه به‌صورت ارگانیک و زیستی دربرمی‌گیرد. در تعریف دیگری، توسعه اقتصادی را ارتقای فراگیر و همه‌جانبه سطح زندگی و رفاه جامعه دانسته‌اند.^۴

۱. کوزنتس، سیمون، رشد نوین اقتصادی، ترجمه مرتضی قره‌باغیان، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲.

2. Post Development

۳. ماتور، پی. ان، معمای توسعه‌نیافتگی، ترجمه علی‌اصغر بانویی و محمدقلی یوسفی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۶، ص ۲۷.

۴. محمود متوسلی، توسعه اقتصادی مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.

از این فرآیند در متون علم اقتصاد، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. این رویکردهای مختلف به پدیده واحد، ریشه در پیش‌ذهنیت‌ها،^۱ انتظارات و اهداف گوناگون اندیشمندان و محققان این حوزه از مقوله توسعه اقتصادی اشاره دارد.

جرالد می‌یر^۲ توسعه را رشد اقتصادی توأم با «تحولات» تعریف می‌کند و تحولات را به تغییرات در دو حوزه جستجو می‌کند: ۱. ارزش‌ها و نهادها و ۲. تغییرات فنی.

$$\left\{ \begin{array}{l} \text{تغییرات فنی} \\ \text{تغییرات ارزشی و نهادی} \end{array} \right. \text{ تحولات} + \text{رشد} = \text{توسعه}$$

در قالب همین تفسیر، ویلیامسون^۳ طبقه‌بندی ارائه کرده که بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی داخلی در حوزه مباحث توسعه را شامل می‌شود. وی فرآیند توسعه اقتصادی را به چند سطح تفکیک و تقسیم می‌کند: در سطح اول، وقوع توسعه به ایجاد تغییرات بنیانی در ارزش‌ها منوط می‌شود. در این سطح باورها، اعتقادات، رسوم و هنجارها و به‌طور کلی ارزش‌هایی که جهت‌گیری فکری و وجوه رفتاری انسان‌ها را تعیین می‌کنند تعالی یافته، یا حداقل جوهره‌ای پیش‌برنده و ارتقادهنده می‌یابند. در واقع در این دوره که ممکن است صدها سال به طول بیانجامد، ارزش‌های مانع و رادع توسعه به ارزش‌هایی پیش‌برنده و ارتقادهنده تغییر ماهیت می‌دهند. در دوره‌های بعدی، این ارزش‌ها ضمن تحول، شکل رسمی به خود می‌گیرند و به‌صورت قوانین و مقررات، نظم و قانونمندی‌های لازم برای تسریع جریان توسعه را فراهم می‌کنند. برای مثال قوای سه‌گانه شکل می‌گیرند، حقوق مالکیت و ضوابط اجرای قراردادها تثبیت می‌شوند و انگیزه‌های محوری برای انباشت سرمایه و انجام سرمایه‌گذاری‌ها و ظهور نوآوری‌ها به‌وجود می‌آید. مرحله بعدی این فرآیند، مقطعی است که قوانین اقتصادی، کارکردی نزدیک به قواعد و قوانین مکانیکی می‌یابند. به‌عبارت دیگر تبیین، تحلیل و پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی در چارچوب مدل‌های نئوکلاسیک و صورتبندی‌های رایج قابل انجام است. در این مرحله ارزش‌ها و نهادها ارتقا یافته در جامعه، اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های توسعه را ممکن و تحقق اهداف آن برنامه‌ها را تا حد زیادی تضمین می‌کنند. در این نگرش توسعه را فرآیندی تعریف می‌کنند که در آن تحولات ارزشی و نهادی، زمینه‌های لازم را برای کارکرد اقتصاد بازار و توسعه شتابان صنعتی فراهم می‌آورد.^۴

آمارتیا سن با تأکید و توجه خاصی که بر عامل انسانی و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی دارد،

1. Preconceptions

2. Gerald Meier, 1995.

3. Oliver E. Williamson, 2000, p. 597.



تفسیر ویژه‌ای از توسعه ارائه می‌دهد. از نظر وی توسعه عبارت است از: ^۱ افزایش قابلیت‌ها^۲ و بهبود استحقاق‌ها.^۳ به عبارت دیگر اقداماتی که توانمندی‌های انسان را در ابعاد مختلف عمق و گسترش دهد عوامل پیش‌برنده توسعه و برعکس، اقدامات و شرایط کاهنده توانمندی‌های انسان، عوامل بازدارنده توسعه محسوب می‌شوند. وجه دیگر این تفسیر، گستره حقوقی است که یک فرد از بدو تولد و در مقاطع مختلف زندگی، در ابعاد گوناگون (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مانند اینها) از آن برخوردار است و درجه توسعه اقتصادی نیز با همین برخورداری‌ها یا تحقق استحقاق‌ها در یک جامعه سنجیده می‌شود.

دیدگاه مهم دیگر که بر خلاقیت‌ها و نوآوری‌های انسان تأکید خاص می‌ورزد، هر نوع تحول چشمگیر را که نقطه عطف در تاریخ بشر یا موجد اکتشاف و اختراعی شده و فصل نوینی را در مقابل انسان‌ها گشوده است فقط نشئت گرفته از تفکر آزاد انسانی و فراهم ساختن شرایط ظهور و نبوغ و نوآوری‌های فردی تلقی می‌کند. بنابراین، در این دیدگاه هر روند یا تغییری ولو مثبت، توسعه محسوب نمی‌شود؛ بلکه برای تحقق یافتن توسعه، آستانه معینی از تحول و رشد باید لحاظ شود که در این میان به مدل جهش اقتصادی روستو (۱۹۶۳)^۴ اختلالات غیرپیوسته شومپیتر (۱۹۳۴)^۵ و نظریه‌های دیگر می‌توان اشاره کرد. این نظریه‌پردازان اصولاً جریان عادی زندگی را همچون حرکت در یک چرخه و دور بسته می‌پندارند که هیچ‌گونه سنخیت و سازگاری با امر توسعه ندارد و توسعه در این دیدگاه، فرآیندی است جهشی و شرط ایجاد جهش، رسیدن به یک حد آستانه است.

توسعه در یک نگرش ساده و در تمامی جوامع، به وضعیتی اطلاق می‌شود که حداقل، سه هدف یا شرط را محقق گرداند: اولین هدف، امکان دسترسی بیشتر به کالاها و خدمات تداوم‌بخش حیات انسان مانند غذا، مسکن و پوشاک است. در این راستا نه فقط افزایش کمیت این کالاها مدنظر است، بلکه توزیع گسترده‌تر و افزون‌تر بین آحاد جامعه نیز باید تأمین شود. دومین هدف، افزایش سطح و استانداردهای زندگی و بهره‌مندی انسان‌ها از مواهب مادی است. درآمدهای بالاتر، نه تنها درصد اشتغال بالاتر، بهداشت و درمان مطلوب‌تر، آموزش باکیفیت‌تر، تأمین امنیت بیشتر و توجه فزون‌تر به ارزش‌های فرهنگی و انسانی را که به پیشرفت زندگی مادی کمک می‌کند، بلکه احترام و عزت نفس بیشتر را هم در سطح فردی و هم در سطح ملی القا می‌کند. سومین هدف که غایتی کاملاً کیفی است عبارت است از گسترش دامنه گزینه‌ها و انتخاب‌های افراد و ملل در زندگی؛ ارتقای

1. Sen, Amartya; "Development: which way Now?", Economic journal. 1983, pp. 754-757.

2. Capabilities

3. Entitlements

4. Rostow et al., 1963.

5. Schumpeter, 1934.

حقوق مدنی افراد؛ آزادی اندیشه‌ها؛ برابری در مقابل قانون؛ رفع تبعیض‌ها؛ رهایی از هر نوع قیدوبندهای وابستگی و بردگی و مواردی از این قبیل. این هدف به مقوله توسعه علاوه بر وجه درونی (داخل یک کشور)، یک وجه بیرونی (بین کشورها یا در جامعه جهانی) می‌بخشد و آن را به منشوری چندوجهی بدل می‌کند. شاید انتخاب چنین خصوصیات چندگانه و انتظارات فراگیر از توسعه اقتصادی است که طراحی برنامه‌ای برای نیل به آن را دشوار و مسیر حرکت در راستای توسعه اقتصادی را پریپیچ و خم می‌کند.

در همین رابطه یکی از نیازها که پژوهش‌های متعددی درباره آن صورت گرفته، انگیزه یا نیاز به توسعه و پیشرفت است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که سطح این نیاز در افراد تفاوت دارد. در برخی از افراد انگیزه پیشرفت در سطح بالایی است و برای موفقیت و پیشرفت خود به سختی تلاش و رقابت می‌کنند؛ درحالی که برخی دیگر، انگیزه چندانی برای موفقیت و رقابت از خود نشان نمی‌دهند. وروم^۱ نشان داد که افراد با توانایی بالا و انگیزه پیشرفت زیاد می‌توانند موفق باشند؛ درحالی که افراد با توانایی بالا و انگیزه پیشرفت پایین، موفقیت چندانی به دست نمی‌آورند. مک کله لند (۱۹۶۱) نظریه انگیزه پیشرفت را برای مطالعه توسعه اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته به کار برد. وی در پژوهش‌های چندین ساله خود دریافت که ۱. در میان کشورهای پیشرفته و توسعه یافته سطح بالاتری از انگیزه پیشرفت وجود دارد و ۲. با بررسی ادبیات فرهنگ‌های باستانی نشان داد افزایش انگیزه پیشرفت در آن کشورها، توسعه اقتصادی را به دنبال داشته است.^۲ کومیوس^۳ در پژوهشی دیگر نشان داد افراد کارآفرین با توانایی فناوری بالا، انگیزه پیشرفت بالایی نیز دارند. در پژوهشی دیگر مودی و اسپنسر^۴ نشان دادند که افراد دارای انگیزه پیشرفت بالا، در مقایسه با افراد کم‌انگیزه‌تر غیبت کمتری در کار دارند؛ زیرا موفقیت، مستلزم کار مداوم است. آن‌گونه که از یافته‌های پژوهشی برمی‌آید، موفقیت و پیشرفت فرد و جامعه تا حدود زیادی زیر نفوذ این ویژگی است، لذا مسلم است که هر کشور خواهان توسعه و پیشرفت باید سعی کند از طریق سیستم آموزش و پرورش و تبلیغات، این نیاز را به شکل طبیعی به افراد جامعه القا کند تا به گونه‌ای همگانی، انگیزه تلاش و پیشرفت در اندیشه و رفتار افراد بروز و تجلی یابد.

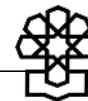
چگونگی ایجاد توسعه و پیشرفت، همواره یکی از سؤال‌های اساسی و مهم در ایجاد دگرگونی و تحول تکاملی جوامع بوده است، زمانی که سخن از توسعه و پیشرفت به میان می‌آید نوعی پیشرفت و توسعه همه‌جانبه به ذهن متبادر می‌شود. به عبارتی توسعه و پیشرفت به معنی افزایش

1. Vroom, 1960.

۲. متوسلی، ۱۳۸۲.

3. Komives, 1972.

4. Moody & Spencer, 1981.



سطح بهره‌مندی و رفاه، ارتقای امنیت، آزادی، گسترش ارتباطات اجتماعی و امکان تحرک اجتماعی عمودی و افقی معطوف به ارزش‌های جامعه که در سایه پیشرفت علمی و تکنولوژیک، دگرگونی تکاملی در نظام بهداشت، درمان و آموزش، ساماندهی و مهندسی اقتصادی - صنعتی، سیاسی و فرهنگی جامعه است.

بنابراین رسیدن به افق‌های مطلوب - زندگی همراه با پیشرفت - به نحو شایسته‌ای به مهندسی و مدیریت نیازمند است و باید مدلی متناسب با ارزش‌های دینی و ملی طراحی و تدوین شود. هدف از تهیه این گزارش، بررسی ضرورت به‌کارگیری مفهوم «پیشرفت» به‌جای مفهوم «توسعه» است، درخصوص به‌کارگیری واژه پیشرفت به‌جای واژه توسعه عمق مفهوم پیشرفت در بُعد اسلامی و ایرانی و نحوه رسیدن به آن را در ابعاد مورد نظر مقام معظم رهبری مشخص کرده و اولویت‌های مورد توجه ایشان را برای تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان بیش از پیش شفاف می‌سازد. با توجه به لزوم تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که صراحتاً در ماده (۱) قانون برنامه پنجم توسعه، وظیفه تدوین آن برعهده دولت گذاشته شده است تا با همکاری سایر قوا تا پایان سال سوم برنامه پنجم توسعه برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد^۱ و با تأکید بر پیشرفت همه‌جانبه از منظر رهبر انقلاب در این گزارش سعی شده به‌دلایل و تمایزات دو نوع نگاه و ضرورت بررسی مفهوم پیشرفت در جنبه‌های مختلف آن پرداخته شود.

مفهوم توسعه از منظر مقام معظم رهبری

با بررسی نظرات مقام معظم رهبری در خصوص واژه «توسعه» متوجه می‌شویم که ایشان ضمن اینکه مفهوم «توسعه» را از نظر گویندگان و شنوندگان، مفهوم چندان روشنی نمی‌دانند: «فرضاً ما شعار عدالت را در جامعه به شعار توسعه تبدیل کنیم. البته توسعه هم از نظر مردم

۱. ماده (۱) قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

دولت موظف است با همکاری سایر قوا «الگوی توسعه اسلامی - ایرانی» که مستلزم رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی باشد را تا پایان سال سوم برنامه تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. این الگو پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی مبنای تهیه برنامه ششم و برنامه‌های بعدی قرار می‌گیرد.

تبصره - دبیرخانه تهیه این الگو در قوه مجریه مستقر خواهد بود و رؤسای قوای سه‌گانه کشور موظفند با اتخاذ سازوکارهای لازم در هر قوه به فرآیند تهیه آن کمک کنند.

ابلاغیه مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱ مقام معظم رهبری راجع به سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران خطاب به ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران: انتظار داریم در دوره پنج‌ساله آینده، اقدامات اساسی برای تدوین الگوی توسعه ایرانی - اسلامی، که رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی در گرو آن است، توسط قوای سه‌گانه کشور صورت گیرد. مشارکت جدی اندیشه‌وران حوزه و دانشگاه در تبیین مقوله عدالت و اقتضائات آن نقشی تعیین‌کننده در این امر دارد.

و از نظر گویندگان و شنوندگان، مفهوم چندان روشنی نیست. این پیام یا این شعار به آن شعار تبدیل شود، بدون اینکه در این توسعه، عدالت در نظر گرفته شده باشد.^۱

همواره این مفهوم را به چالش کشیده‌اند و برای آن مفاهیمی از قبیل «ترقی و پیشرفت» ذکر فرموده‌اند. ایشان در راستای تبیین توسعه در معنای غربی کردن، برخی خصوصیات و ویژگی‌های کشورهای توسعه‌یافته در غرب را برمی‌شمارند و از نظام سلطه و سلطه‌گری آنها، استعمار و جهت‌گیری آنها یاد می‌کنند. ایشان قائل به تقسیم‌بندی کشورها به توسعه یافته و توسعه نیافته و جهان سوم نیستند و می‌فرمایند:

«اما این سخن خطاب به همه جوانان کشور است که جمعیت بزرگی را در کشورمان تشکیل می‌دهند. آن سخن این است که امروز هرکس به جغرافیای سیاسی و فرهنگی عالم نگاهی بیاندازد، حقیقتی را مشاهده می‌کند. آن حقیقت این است که امروز جهان از قطب‌های سلطه تشکیل شده است؛ مجموعه‌هایی که بر روی هم متأسفانه یک نظام سلطه جهانی را در این دوران به وجود آورده‌اند. نظام سلطه چیست؟ نظام سلطه این است که بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌گر و بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌پذیرند. رسم بر این است که امروز کشورهای جهان را به شمال و جنوب تقسیم می‌کنند. کشورهای شمال یعنی کشورهای ثروتمند و کشورهای جنوب یعنی کشورهای مثلاً فقیر یا کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای رو به توسعه. در دوره‌های قبل هم تقسیمات دیگری می‌کردند. من در آن زمان که شوروی سابق هنوز بود و دنیا را به بخش‌های سه‌گانه تقسیم می‌کردند، در یک مجمع جهانی این حرف را زدم؛ امروز هم که شوروی‌ای وجود ندارد و قطب‌های دوگانه متضاد قدرت در دنیا به آن صورت نیست، همان عقیده را دارم. هر چه زمان می‌گذرد، این حرف بیشتر تأیید می‌شود و آن حرف این است که جهان دو بخش دارد: یک بخش سلطه‌گر، یک بخش سلطه‌پذیر. بخش سلطه‌گر لزوماً کشورهایایی نیستند که از ثروت‌های طبیعی برخوردار باشند؛ بخش سلطه‌پذیر هم لزوماً کشورهایایی نیستند که همه فقیر باشند. کشورهای آفریقایی بر روی دریا‌هایی از منابع طبیعی بسیار لازم برای مردمانشان زندگی می‌کنند. در آنجا الماس هست، مواد معدنی بسیاری هست که بشر به آن احتیاج یا اشتیاق دارد. این ثروت طبیعی متعلق مال آنهاست؛ بنابراین فقیر نیستند؛ اما ابزار سلطه از این جادوگری‌ها بسیار می‌کند؛ یک ملت فقیر را به صاحب ثروت کلان تبدیل می‌کند؛ اما ملت‌هایی را که از ثروت‌های بزرگ طبیعی برخوردارند، به کشورهای فقیر که به نان شبشان محتاجند، تبدیل می‌نماید! امروز در آفریقا، در بسیاری از مناطق آسیا، در بسیاری از مناطق آمریکای لاتین، در خود اروپا، از این‌گونه ملت‌ها هستند. این تقسیم دوگانه است؛

۱. بیانات در دیدار مدیران صداوسیما، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵.



یک بخش، قدرت‌های سلطه‌گرند که در کشورهای حکومت می‌کنند؛ یک بخش، سلطه‌پذیرند. من نمی‌خواهم بگویم همه کسانی که سلطه‌گر نیستند، سلطه‌پذیرند؛ نه، کشورهای هستند سعیشان بر این است که سلطه‌پذیری نکنند و سلطه سلطه‌گران را نپذیرند؛ اما اگر بتوانند، بیشتر در جنبه اقتصادی از تسلط بیگانه فرار می‌کنند؛ یا اگر بتوانند، در جنبه سیاسی از تسلط بیگانگان می‌گریزند؛ اما در جنبه فرهنگی، سلطه سلطه‌گران را پذیرفته‌اند. این واقعیتی است که باید انسان آن را درست درک کند. با انکار واقعیت‌ها هیچ‌کس نمی‌تواند به نتیجه برسد»^۱.

در جای دیگری درخصوص استعمار می‌فرمایند: «در سطح جهانی هم همین‌طور است. استعمار ملت‌ها - که لکه ننگ تاریخ بشر در یکی دو قرن اخیر هست - به نام پیشرفت ملت‌ها انجام گرفت. استعمار یعنی نوسازی. انگلیس‌ها، هلندی‌ها، پرتغالی‌ها، فرانسوی‌ها در نقاط مختلف آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین رفتند بومی‌ها را قتل عام کردند، سرزمین‌ها را تصرف کردند، دزدی کردند، خیانت کردند، هزار فاجعه به وجود آوردند؛ زیر نام نوسازی، پیشرفت، استعمار.

در دوره بعد هم که نواستعمار پدید آمد، باز هم همین بود. این همه تجاوز، این همه جنگ‌افروزی، این همه کودتا که به وسیله سرویس‌های امنیتی کشورهای غربی - چه آمریکا، چه انگلیس و چه غیر اینها - انجام گرفته، همه زیر پرچم تجددخواهی و پیشرفت و تحول و توسعه انجام گرفته، همین الان شما افغانستان و عراق جلوی چشمتان است. آمریکایی‌ها آمدند وارد عراق شدند برای اینکه دنیای نوئی راه، دنیای آزادی، دموکراسی و توسعه را برای مردم عراق به‌وجود بیاورند. شما ببینید الان در عراق چه خبر است! شاید در طول دوران حکومت‌های کودتایی عراق - که آخرینش صدام بود - محنتی را که امروز مردم عراق دارند از دست آمریکایی‌ها می‌کشند، تا حالا تحمل نکرده باشند. زن و مرد عراقی تحقیر می‌شوند. جوان آمریکایی چکمه‌اش را می‌گذارد پشت گردن یک جوان عراقی؛ چرا؟ چون از خیابان عبور می‌کرده و به او مشکوک شده؛ او را می‌خواباند و جلوی چشم زن و بچه‌اش، صورتش را به خاک فشار می‌دهد. یا مرد [زن] را جلوی چشم مرد خانه کتک می‌زنند؛ مردها زن خانه را به اسم توسعه و پیشرفت و تحت عنوان نجات ملت عراق بازرسی بدنی می‌کنند. در افغانستان هم همین‌طور است»^۲.

معظم‌له قائلند که واژه توسعه طی زمان مورد سوءاستفاده کشورهای غربی قرار گرفته است

به عبارتی:

«پس نام توسعه از یک طرف مورد چنین سوء استفاده‌هایی در طول تاریخ و در زمان خود ما در سرتاسر دنیا و در کشور خود ما انجام گرفته است. از یک طرف هم در نقطه مقابل، کسانی

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک، ۱۳۷۹/۰۸/۲۴.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

بوده‌اند و هستند که با هر نوع نوآوری و تحولی مخالفت کرده‌اند؛ به اسم اینکه این سابقه ندارد، این را نمی‌شناسیم، این را نمی‌دانیم، به این مشکوکیم. حدیث «شرّ الأمور محدثاتها» را بد معنا کرده‌اند. با اینکه نوآوری سنت تاریخ است؛ سنت طبیعت است و بدون نوآوری زندگی بشر معنا پیدا نمی‌کند؛ اما اینها مخالفت کردند. این دو گرایش متضاد وجود داشته است»^۱.

«در جوامع غربی - تقریباً به طور عموم - از راه استعمار آمده است. ثروتی که انگلستان در قرن هجدهم و نوزدهم به دست آورد و توانست به وسیله آن ثروت و پول نقد و طلای نقد، سیاست خودش را بر کل اروپا و مناطق دیگر سیطره بدهد، به خاطر پولی بود که انگلیسی‌ها از استعمار کشورهای شرقی و عمدتاً شبه قاره هند به دست آورده بودند؛ شبه قاره هند و کشور سیام سابق و بقیه کشورهای آن منطقه را غارت کردند! شما به تاریخ مراجعه کنید، مطالعه کنید؛ واقعاً در یکی دو کلمه نمی‌شود گفت که اینها با هند چه کردند؛ انگلیسی‌ها ثروت هند را و ثروت آن منطقه را - که منطقه بسیار پرثروتی بود - مثل یک انار آبلمبویی فشرده و همه رفت توی خزانة دولت انگلیس و کشور انگلیس تبدیل شد به یک ثروتمند! دیگر سؤال نمی‌شود این ثروت از کجا آمد. این ثروت احترام دارد! خوب پیشرفت در این کشور یک معنا پیدا می‌کند؛ اما در کشوری که استعمار را حرام می‌داند، استثمار را گناه می‌داند، غارت را ممنوع می‌داند، غصب را حرام می‌داند، تجاوز به حقوق دیگران و گرفتن مال دیگران را ممنوع می‌داند، پیشرفت یک معنای دیگری پیدا خواهد کرد. بنابراین مبانی معرفتی، مبانی اخلاقی و تفکرات اصولی و فلسفی، در تعریف پیشرفت در یک کشور تعیین‌کننده است. این هم یک مطلب»^۲.

و در ادامه می‌فرمایند «آنچه مهم است، این است که در یک جامعه رو به رشد و دارای آرمان‌های والای علمی و اجتماعی و دنیایی، اگر یک جریان متنفع فرهنگی وجود داشته باشد که تلاش‌ها و حرکت این جامعه را هدایت کند، این جامعه به خیر و صلاح و فلاح خواهد رسید؛ اما اگر یک چنین جریان فرهنگی دینی الهی و معنوی در جامعه در حال رشد و توسعه علمی وجود نداشته باشد، نتیجه همان چیزی می‌شود که شما امروز در جوامع پیشرفته غربی دارید مشاهده می‌کنید. هرچه پیشرفت بیشتر است، دوری از صلاح و انسانیت و عدالت هم بیشتر است»^۳.

معظم له معتقدند که: «دنیای سرمایه‌داری غرب، مکتبی را معرفی می‌کند که جامع نیست. به عبارتی اغلب مکاتب بشری، از جمله مکتب سرمایه‌داری غرب هم، همین‌طور است. یک طرفش را دیده‌اند. آن طرفی که انسان‌ها را به کار و تلاش و پیشرفت و رشد مادی و ثروت و علم می‌کشاند،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

۲. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷.

۳. بیانات در دیدار طلاب و اساتید مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۱.



دیده‌اند و درست هم بوده است. اما طرف دیگرش را ندیده‌اند.

هنر یک مجموعه و یک مکتب، این است که همه عوامل در آن جمع باشد. والا اگر یک مکتب، فقط جهانگیری‌اش خوب باشد، می‌تواند فتوحات کند؛ اما نمی‌تواند نگهدارد. منابع طبیعی را خوب می‌تواند حفظ کند؛ ولی از حفظ منابع انسانی، ناتوان است. رشد مادی می‌تواند بدهد؛ اما در دادن رشد معنوی می‌ماند. بالاخره، مساوات را در بین آحاد مردم، می‌تواند برقرار کند؛ ولی نهایتاً المثنای مکتب کمونیسم می‌شود.^۱

در ادامه بررسی بیانات ایشان متوجه می‌شویم که واژه «در حال توسعه» را واژه‌ای تعارف‌آمیز می‌دانند و معتقدند که در زمینه توسعه، تقلید ره به جایی نمی‌برد.

«چرا ایران باید در ردیف کشورهای به‌اصطلاح در حال توسعه - یعنی توسعه‌نیافته - قرار بگیرد؟ «در حال توسعه» یک تعبیر تعارف‌آمیز است؛ یعنی عقب‌مانده و توسعه‌نیافته. مگر ذهن و استعداد و قدرت فکری ما از کسانی که امروز دویست سال در دنیای علم پیشتازند، کمتر است؛ می‌بینید که کمتر نیست. آنها از لحاظ علمی دویست سال از ما جلوترند؛ این گناه پادشاهان است؛ گناه نظام دیکتاتوری است؛ گناه خاندان‌های پلیدی است که بر این کشور حکومت کردند؛ گناه خاندان پهلوی است. همین احساسی که امروز من و شما داریم و باید در این کشور حاکم می‌بود، یک روز آن را کوبیدند و خفه کردند. چرا خفه کردند؟ چون رؤسای این کشور، دست‌نشانده‌های همان قدرت‌هایی بودند که نمی‌خواستند این کشور این‌طور حرکت و رشد کند؛ نمی‌خواستند این منبع ثروت مفت و مجانی را از دست بدهند. اگر صاحب خانه بیدار باشد، دزد نمی‌تواند وسایل خانه را جلوی چشم او جمع کند و ببرد. یا باید صاحب‌خانه را خواب کنند، یا باید دست و پایش را ببندند؛ والا اگر بیدار باشد، دست و پایش باز باشد و قدرت هم داشته باشد، مگر به دزد اجازه می‌دهد؟ کسانی که می‌خواستند ایرانی خواب باشد، دست و پایش بسته باشد و حرکتی در راه مالک شدن موجودی و ثروت طبیعی خود نکند، آمدند کسانی را در رأس این مملکت گذاشتند. رضاخان را انگلیسی‌ها گذاشتند؛ محمدرضا را اتحادی میان انگلیس و آمریکا بر این مملکت گذاشت. پنجاه و چند سال اینها این مملکت را در درخشان‌ترین فرصت‌های جهانی معطل و معوق گذاشتند. نه فقط از لحاظ سیاسی و امنیتی، بلکه از لحاظ فرهنگی نیز ما را عقب نگه داشتند. من که می‌گویم تهاجم فرهنگی، عده‌ای خیال می‌کنند مراد من این است که مثلاً پسری موهایش را تا اینجا بلند کند. خیال می‌کنند بنده با موی بلند تا این‌جا مخالفم. مسئله تهاجم فرهنگی این نیست. البته بی‌بندوباری و فساد هم یکی از شاخه‌های تهاجم فرهنگی است؛ اما تهاجم فرهنگی بزرگ‌تر از این است که اینها در طول سال‌های متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی؛ باید دنباله‌رو غرب و

۱. بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه ماه محرم، ۱۳۷۵/۰۲/۲۶.

اروپا باشی. نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و... یک نظریه علمی داشته باشید، چنانچه برخلاف نظریات رایج و نوشته شده دنیا باشد، عده‌ای می‌ایستند و می‌گویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه فلانی است؛ حرف شما در روان‌شناسی، مخالف با نظریه فلانی است. یعنی آن طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب اینجاست که آن نظریات، کهنه و منسوخ می‌شود و جایش نظریات جدیدی می‌آید؛ اما اینها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست می‌گیرند! ده‌ها سال است که نظریات پوپر در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی کهنه و منسوخ شده و ده‌ها کتاب علیه نظریات او در اروپا نوشته‌اند؛ اما در سال‌های اخیر آدم‌هایی پیدا شدند که با ادعای فهم فلسفی، شروع کردند به ترویج نظریات پوپر! سال‌های متمادی است که نظریات حاکم بر مراکز اقتصادی دنیا منسوخ شده و حرف‌های جدیدی به بازار آمده است؛ اما عده‌ای هنوز وقتی می‌خواهند طراحی اقتصادی بکنند، به آن نظریات کهنه قدیمی نگاه می‌کنند! اینها دو عیب دارند: یکی اینکه مقلدند، دوم اینکه از تحولات جدید بی‌خبرند؛ همان متن خارجی را که برای آنها تدریس کرده‌اند، مثل یک کتاب مقدس در سینه خود نگه داشته‌اند و امروز به جوان‌های ما می‌دهند. کشور ما مهد فلسفه است، اما برای فهم فلسفه به دیگران مراجعه می‌کنند»^۱.

«یک دسته کسانی هستند که توسعه و رشد و پیشرفت علم و میدان رقابت و آزاداندیشی و امثال اینها را می‌خواهند، اما راه آن را در تقلید مطلق از الگوهای غرب جستجو می‌کنند؛ فکر می‌کنند «ره چنان رو که رهروان رفتند». رهروان چه کسانی هستند؟ فعلاً اقلیتی در دنیای امروز، که عبارتند از کشورهای غربی؛ شامل اروپا و کشور ایالات متحده آمریکا و بعضی از کشورهای پیشرفته دیگر»^۲.

در جای دیگری در اهمیت توجه به خصوصیات هر کشور و عدم تقلیدی بودن برنامه در امر توسعه می‌فرمایند:

«البته برنامه خصوصیات دارد؛ باید منطبق بر خصوصیات جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی کشور باشد. از برنامه کشورهای دیگر نمی‌شود تقلید کرد؛ برنامه یک چیز تقلیدی نیست. اینکه فلان کشور از این راه به توسعه رسید، پس ما هم از این راه برویم، غلط است. باید امکانات و موجودی و توانایی‌ها و زمینه‌های کشور محاسبه و راه انتخاب شود. برنامه، فقط اقتصادی محض نباشد. در برنامه، فرهنگ، امنیت، معنویت و اخلاق باید حتماً دیده شود. فقط رشد اقتصادی مورد تکیه نباشد؛

۱. بیانات در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۹.



در چارچوب سیاست‌های کلانی باشد که عرض شد»^۱.

معظم‌له درخصوص ویژگی‌های دیگر کشورهای غربی بیان می‌دارند که آنها فقط به دنبال آندند که بهترین الگو را الگوهای توسعه‌یافتگی غربی القا کنند، هرچند در این مسیر به گروندگان به خود نیز هیچ کمکی نمی‌کنند.

«البته غربی‌ها این تبلیغات را کرده‌اند و ملاک و معیار توسعه‌یافتگی را الگوهای خودشان قرار داده‌اند؛ اما حقیقتاً در مقام عمل، به آن کشورهایی که می‌خواستند غربی بشوند، کمک درستی هم نکرده‌اند؛ یعنی همین‌جا هم صداقت به خرج ندادند. من به شما عرض بکنم: غربی‌ها هیچ مایل نبودند و نیستند که غیرغربی وارد باشگاه علمی غرب شود. این کشورهای آسیایی که الان پیشرفت کرده‌اند - مثل ژاپن، مثل چین، مثل تا حدودی هند - غرب به هیچ کدام از اینها کمکی نکرد. چین در کشمکش‌های شدید شرق و غرب - کمونیسم و دنیای سرمایه‌داری - از طرف شوروی آن روز سخاوتمندانه مورد حمایت قرار گرفت؛ حتی انرژی هسته‌ای‌اش را روس‌ها دادند. چین هیچ چیز نداشت؛ شوروی‌ها چون می‌خواستند یک جبهه آسیایی بزرگی در مقابل آمریکا و اروپا تشکیل بدهند، چین را تجهیز کردند؛ چون چین کمونیستی بود، تجهیزش کردند. هند هم در درجه بعد همین‌طور؛ یعنی در جبهه‌بندی‌های شرق و غرب، هند گرایش به چپ داشت، شوروی‌ها - چپ‌ها - کمکش کردند. آمریکایی‌ها متقابلاً پاکستان را تقویت می‌کردند. البته پاکستان هم انرژی هسته‌ای را خودش به وجود نیاورد، آنها از چین گرفتند؛ اما آمریکا چشمش را بست و در موازنه‌های سیاسی منطقه‌ای به رو نیاورد. ژاپن، پیشرفت علمی خودش را به کمک آمریکا و غرب به دست نیاورد؛ ژاپنی‌ها توانستند نفوذ علمی کنند - شاید تعبیر سرقت، تعبیر خوبی نباشد - و توانستند علم را به شکلی که طرف راضی نیست، از او بقاپند؛ منتها ملت سختکوشی بودند و خودشان را پیش بردند؛ غرب به آنها کمکی نکرد»^۲.

مفهوم پیشرفت از منظر مقام معظم رهبری

مهمترین نکته در آرای مقام معظم رهبری توجه عمیق به این اصل است که ما باید پیشرفت داشته باشیم و آن فهمی را که از تحول، اراده می‌کنیم و می‌خواهیم، درست معنا کنیم. ضرورت توجه به نظرات مقام معظم رهبری درخصوص مفهوم پیشرفت از آن جهت است که ایشان از واژه‌های «تعالی»، «تکامل»، «تحول»، «اصلاحات»، «نوآوری» و «تجدد» برای اهمیت حرکت در مسیر پیشرفت استفاده کرده‌اند و از آن رو که معظم‌له عالی‌ترین مقام نظام مقدس جمهوری اسلامی ایرانند بنابراین

۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۵/۱۵.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

لازم است هرچه بیشتر همه تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان با عقاید و راهبردهای ایشان آشنا شده و آنها را به‌کار گیرند.

ایشان معتقدند لازم است تا مقصود خود از پیشرفت را پیدا کنیم و بدانیم برای رسیدن به پیشرفت چه الزاماتی را رعایت کنیم و چه شروطی را در راه رسیدن به پیشرفت رعایت کنیم.^۱ ایشان ضمن بیان نمونه‌هایی از پیشرفت و طرح مثال‌هایی از آن، کارها، اقدامات، افکار و اعتقاداتی را که ما با استفاده و تبعیت از آنها می‌توانیم به پیشرفت برسیم تبیین می‌کنند و جنبه‌های گوناگونی برای تعالی را برمی‌شمارند.

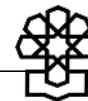
ایشان می‌فرمایند: «هدف گرفتن تعالی انسان است؛ تعالی خود و دیگران. این تعالی شامل تعالی علمی، تعالی فکری، تعالی روحی و اخلاقی، تعالی اجتماعی و سیاسی - یعنی جامعه تعالی پیدا کند - و تعالی اقتصادی است؛ یعنی رفاه امور زندگی مردم. همه موظفند برای این چیزها تلاش کنند: گسترش و پیشرفت علم برای همه؛ حاکمیت اندیشه سالم و فکر درست؛ تعالی روحی و معنوی و اخلاقی، خلق کریم و مکارم اخلاق؛ پیشرفت اجتماعی بشری - نه فقط جنبه‌های معنوی و علمی و اخلاقی یک فرد، بلکه جامعه هم مورد نظر است - و پیشرفت امور اقتصادی و رفاهی انسان‌ها و باید مردم را به سمت رفاه و تمتع هرچه بیشتر از امکانات زندگی پیش ببرند. این یکی از وظایف همه است؛ مخصوص دوره قدرت و حکومت هم نیست؛ در دوره حکومت غیرخدا هم این وظیفه وجود دارد».^۲

از نظر ایشان در مسیر پیشرفت ضمن دریافت معنای آن باید بفهمیم که به دنبال چه می‌گردیم، این نکته‌ای کلیدی است که پیشرفت جامعه اسلامی ایران با انقلاب و نهضت انقلابی آغاز شده است: «پس ما باید پیشرفت و آن چیزی را که از تحول اراده می‌کنیم و می‌خواهیم، درست برای خودمان معنا کنیم و بفهمیم دنبال چه هستیم، تا نه آن سوءاستفاده انجام بگیرد، نه این مخالفت و ضدیت. البته این به معنای این نیست که ما تازه می‌خواهیم پیشرفت را شروع کنیم، لذا الگو برای پیشرفت می‌خواهیم؛ نه، پیشرفت در کشور ما با انقلاب و با نهضت انقلابی شروع شد. یک جامعه ایستای راکد، زیر فشار، استعدادهای خفته، بدون اجازه هیچ تحرکی در دریای عمیق استعدادهای ملی ما، با حرکت انقلابی دگرگون شد.

امروز علاوه بر اینکه خود تشکیل نظام جمهوری اسلامی یک تحول بزرگ، یک پیشرفت شگفت‌آور و عظیم بود که یک حکومت موروثنی کودتایی فاسد و وابسته را یک ملتی بتواند تبدیل کند به یک حکومت مردمی، که هیچ تحولی از این بالاتر نیست و خود این، بزرگ‌ترین تحول و

۱. در گزارش بعدی تحت عنوان «مؤلفه‌های پیشرفت» موارد فوق به تفصیل ذکر خواهند شد.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.



بزرگ‌ترین پیشرفت بود...»^۱.

مقام معظم رهبری به‌جای واژه توسعه از مفهوم بومی پیشرفت استفاده می‌کنند ایشان درخصوص علت این انتخاب و تعریف این واژه و بیان مقصود خویش از آن بیان می‌دارند:

«آنچه که من می‌خواهم اضافه کنم، این است که اولاً کلمه «پیشرفت» را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه «توسعه» را به‌کار ببریم. علت این است که کلمه توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جاافتاده متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاوریم داخل مجموعه کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه می‌کنیم؛ این مفهوم عبارت است از «پیشرفت». معادل معنای فارسی پیشرفت را می‌دانیم؛ می‌دانیم مراد از پیشرفت چیست. تعریف هم خواهیم کرد که منظور ما از این پیشرفتی که در فارسی معنایش روشن است، چیست؛ پیشرفت در چه ساحت‌هایی است، به چه سمتی است. ما این وام‌نگرفتن مفاهیم را در موارد دیگری هم در انقلاب داشته‌ایم. ما از کلمه «امپریالیسم» استفاده نکردیم؛ کلمه «استکبار» را آوردیم. ممکن است یک زوایایی در معنای امپریالیسم وجود داشته باشد که مورد نظر ما نیست. حساسیت ما بر روی آن زوایا نیست؛ حساسیت ما بر روی آن معنایی است که از کلمه «استکبار» به‌دست می‌آید، لذا این را مطرح کردیم، در انقلاب جا افتاد؛ دنیا هم امروز منظور ما را می‌فهمد و همچنین مفاهیم دیگری»^۲.

نگاه اسلام به انسان نگاهی است که معرفت‌نوینی را در اختیار انسان می‌گذارد و هدف‌اعلای آن عبارت از ساخت انسان متکامل است. ایشان می‌فرمایند:

«اسلام یعنی بنای یک نظام اجتماعی و یک زندگی عمومی برای یک ملت، بر پایه‌های مستحکمی که می‌تواند سعادت دنیا و آخرت آنها را تأمین کند. می‌تواند علم و پیشرفت و صنعت و ثروت و رفاه و عزت بین‌المللی و همه چیز را برای آنها فراهم کند. مردم دنبال این بودند. نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت‌نوینی را در اختیار انسان می‌گذارد. این نگاه، زیربنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب نبوده. تحقیقات علمی در غرب، در ستیز با آنچه آن را دین می‌پنداشتند، آغاز شده.

در جهان‌بینی ما، علم از دل دین می‌جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. دینی که ما می‌شناسیم، جهان‌بینی دینی‌ای که ما از قرآن می‌گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراء‌الطبیعه و از توحید و از مشیت‌الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است؛ لذا

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

۲. بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰.

تولیدکننده و تشویق‌کننده علم است.

قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه‌های نو و گشودن افق‌های جدید را باید در خودمان به‌وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد؛ توقع، این است. خوشبختانه ما پیشرفت کرده‌ایم؛ به‌وضوح می‌شود این را دید. اگر قرار بود در محیط غیردینی و ضددینی، علم پیشرفت کند، از لحاظ علمی لااقل پیشرفت می‌کردیم.^۱

ایشان معتقدند که پیشرفت در نظام اسلامی از ابتدای انقلاب شروع شده است و مباحث پیشرفت در راستای ایجاد یک باور همگانی در بین نخبگان و بعد در بین مردم است.

«به هر حال بحثی که برای الگوی پیشرفت می‌کنیم، برای این نیست که می‌خواهیم پیشرفت را شروع کنیم؛ پیشرفت از انقلاب شروع شده، بلکه به این معناست که با بحث نظری و تعریف شفاف و ضابطه‌مند از پیشرفت، قصد داریم یک باور همگانی در درجه اول در بین نخبگان، بعد در همه مردم به‌وجود بیاید که بدانند دنبال چه هستیم و به کجا می‌خواهیم برسیم و بخش‌های گوناگون نظام بدانند چه کار باید بکنند. این را باید پیدا کنیم.»^۲

ایشان درخصوص مقصود از پیشرفت و مفهوم آن، می‌فرمایند:

«مفهوم پیشرفت، برای ما مفهوم روشنی است. ما «پیشرفت» را به‌کار می‌بریم و تعریف می‌کنیم که مقصود ما از پیشرفت چیست. درخصوص ایرانی بودن الگو، علاوه‌بر آنچه که دوستان گفتند؛ که خوب، شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی در تشکیل این الگو تأثیر می‌گذارد که قطعاً اینها درست است.»^۳

مقام معظم رهبری در جایی دیگر پیشرفت را این‌گونه معنا می‌کنند:

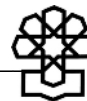
«آنچه که پیشرفت هست، این است که ما از هر که و هر جور، همه دانش‌های مورد نیازمان را فرا بگیریم؛ این دانش را به مرحله عمل و کاربرد برسانیم، تحقیقات گوناگون انجام بدهیم، برای اینکه دامنه علم را توسعه بدهیم، تحقیقات بنیادی انجام بدهیم، تحقیقات کاربردی و تجربی انجام دهیم، تا فناوری را به‌وجود آوریم یا فناوری جدیدی را به‌وجود بیاوریم یا فناوری را تکمیل کنیم؛ تصحیح کنیم و انجام بدهیم؛ در زمینه آموزش‌های مدیریتی از پیشرفت‌های دنیا فرا بگیریم، آن را بین خودمان برطبق نیازها و عرف و فرهنگ خودمان تحلیل و فهم کنیم و با جامعه‌مان تطبیق کنیم.»^۴

۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

۳. بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰.

۴. دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸.



معظمه در تقبیح تقلید و اینکه تقلید پیشرفت نیست به صراحت می‌فرمایند که وابسته شدن و غربی شدن پیشرفت نمی‌باشد و بیان می‌دارند:

«تقلید، رایج شدن و پیشرفت تقلید، پیشرفت نیست. وابسته کردن اقتصاد، تقلیدی کردن علم، ترجمه‌گرایی در دانشگاه؛ که هرچه که آن طرف مرزها، مرزهای غربی و کشورهای اروپایی، گفته‌اند، ما همان را ترجمه کنیم و اگر کسی حرف زد، بگویند مخالف علم حرف می‌زند؛ پیشرفت نیست و ما این را پیشرفت نمی‌دانیم. نه اینکه ترجمه را رد کنیم؛ من این را بارها در مجامع دانشگاهی گفته‌ام؛ خیر، ترجمه هم خیلی خوب است؛ یاد گرفتن از دیگران خوب است؛ اما ترجمه کنیم تا بتوانیم خودمان به وجود آوریم. حرف دیگران را بفهمیم تا حرف نو به ذهن خود ما برسد؛ نه اینکه همیشه پای حرف کهنه دیگران بمانیم. یک حرفی را در زمینه مسائل اجتماعی پنجاه، شصت سال پیش فلان نویسنده یا فیلسوف یا شبه‌فیلسوف فرهنگی گفته، حالا آقایی بیاید در دانشگاه، دهنش را با غرور پُر کند و همان را دوباره به عنوان حرف نو برای دانشجو بیان کند! این پیشرفت نیست؛ پسرقت است. زبان و ملی [ملیت] را مغشوش کردن، هویت اسلامی ملی را سلب کردن و مدل‌بازی به جای مدل‌سازی، پیشرفت نیست. ما وابسته شدن و غربی شدن را پیشرفت نمی‌دانیم»^۱

ایشان معتقدند که در مسیر پیشرفت دو مطلب «عدالت» و «پیشرفت» می‌بایست در کنار همدیگر دیده شود ایشان مجدداً در تعریفی از پیشرفت بیان می‌دارند که پیشرفت یعنی از لحاظ علم و عمل و آنچه در دنیا برای یک جامعه لازم است به نتایج مطلوب برسیم و می‌فرمایند:

«شعار پیشرفت و عدالت، یک شعار محوری است؛ یک مطلب اساسی است؛ یک نیاز است. در این مرحله، هدف کلان ملت عزیز ما و مسئولان باید پیشرفت و عدالت باشد. «پیشرفت» و «عدالت» دو خواسته‌ای است که انسان‌ها به آن نیازمندند. پیشرفت، یعنی از لحاظ علم و عمل و آنچه که در دنیا برای یک جامعه لازم است، به نتایج مطلوب برسد. عدالت هم یعنی میان انسان‌ها تبعیض وجود نداشته باشد، بی‌عدالتی نباشد، ظلم نباشد. هر دو خواسته، جزء خواسته‌های اساسی و اصلی و دیرین بشریت است، که تا تاریخ بشر وجود داشته است، این دو خواسته، خواسته اصلی انسان‌ها بوده است: پیشرفت و عدالت. این شعارها را می‌شود داد؛ مهم این است که کی می‌شود به این شعارها عمل کرد. ما در نظام جمهوری اسلامی، این دهه چهارم را هنگام مناسب برای عمل در جهت رسیدن به این دو شعار یافتیم. پیشرفت را می‌شود به معنای حقیقی کلمه به دست آورد؛ عدالت را هم با رشدی که در جامعه ما هست، با آگاهی و بصیرتی که مردم ما بحمدالله پیدا کرده‌اند، موانع را شناخته‌اند، اهداف را تشخیص داده‌اند، دوست و دشمن را امروز جوان‌های ما تشخیص می‌دهند، اگر مسئولی در پی عدالت باشد، می‌تواند در جامعه ما مقدمات استقرار عدالت کامل را فراهم کند.

۱. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۳۸۵.

البته این کار کوتاه‌مدت نیست، کار بلندمدت است. بنابراین این دهه را، دهه پیشرفت و عدالت در نظر می‌گیریم. هر اقدامی که می‌شود، هر برنامه‌ریزی‌ای که می‌شود، باید این دو عنصر در آن ملحوظ باشد؛ هم در جهت پیشرفت جامعه باشد، هم در جهت عدالت باشد»^۱.

معظمه در ادامه درخصوص آنکه تحول و پیشرفت در چه مواردی باید حاصل شود و چه نکاتی را باید مورد توجه قرار داد می‌فرمایند که در همه مناطق مربوط به زندگی جامعه. در قوانین، در فرهنگ و در اخلاق عمومی مردم، در نظام علمی و آموزشی کشور، در فعالیت‌های اقتصادی، در هنر، در امور حکومت و اداره کشور، حتی در حوزه‌های علمی باید تحول صورت گیرد و پیشرفت حاصل شود. ایشان معتقدند که در مسیر پیشرفت رعایت سه عنصر اساسی لازم است، یکی اینکه ارزش‌هایی که انقلاب براساس آنها پدید آمده، مورد توجه باشند و به‌شدت از آنها حراست شود، دوم اینکه این ارزش‌ها با هم دیده شوند و سوم آنکه حرکت رو به جلو باشد و از رکود، سکون و سکوت پرهیز شود. معظمه می‌فرمایند:

«و اما این پیشرفت‌ها در کجاست؟ این تحولی که می‌گوییم باید به‌وجود بیاید و این حرکت به جلو در کجاست؟ در همه مناطق مربوط به زندگی جامعه. قوانین، تحول پیدا می‌کند و باید روزبه‌روز بهتر و کامل‌تر شود. در فرهنگ و در اخلاق عمومی مردم، روزبه‌روز باید تحول صورت گیرد و پیشرفت حاصل گردد. در نظام علمی و آموزشی کشور، در فعالیت‌های اقتصادی، در هنر، در امور حکومت و اداره کشور، حتی در حوزه‌های علمی، باید انسان‌های با فکر و شجاع و روشن‌بین، روزبه‌روز روش‌های جدید، کارهای جدید، فکرهای جدید و آرمان‌های جدید را دنبال کنند. اساس، همان ارزش‌هاست. در چارچوب همان ارزش‌ها پیش بروند و تحولات را به‌وجود آورند. آن وقت انقلاب، یک انقلاب کامل و روزبه‌روز می‌شود و تمام‌شدنی هم نیست. این تکامل، تمام‌شدنی هم نیست؛ یعنی هر ده سال، بیست سال یک‌بار، اگر انسان به کشور نگاه کند، خواهد دید که در بخش‌های مختلف، پیشرفت و ترقی ایجاد شده است.

سه عنصر در اینجا اساسی است: یکی اینکه ارزش‌هایی که انقلاب براساس آنها پدید آمده است، مورد توجه باشد و به‌شدت از آنها حراست شود. دوم اینکه این ارزش‌ها را با هم ببینند. این‌طور نباشد که یکی به استقلال سیاسی و فرهنگی و اقتصادی توجه کند، اما به دینداری توجه نکند؛ یا به دینداری توجه کند، اما به آزادی فکر توجه نکند؛ یا به آزادی فکر و بیان توجه کند، به حفظ دین و ایمان مردم توجه نکند. اگر این‌طور باشد، کار ناقص انجام می‌گیرد. باید به همه مجموعه ارزش‌ها توجه شود. بالاتر از همه، دستگاه‌های حکومتی هستند که باید به تمام این

۱. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۱/۱.



ارزش‌ها توجه کنند و همه آنها را مورد حفاظت و حراست قرار دهند. عنصر سوم، حرکت به جلو است. رکود و سکون و سکوت موجب می‌شود که جمود و تحجر و کهنگی به وجود آید و ارزش‌ها کارآیی خودش را از دست بدهد. کهنگی، دنباله‌اش ویرانی است. اگر بخواهند کهنگی به وجود نیاید، باید پیشرفت و حرکت به جلو باشد. این حرکت به جلو، همانی است که من در روز تاسوعا از آن به «اصلاحات انقلابی» تعبیر کردم. اگر اصلاحات، پیشرفت و نوآوری براساس ارزش‌های انقلاب نباشد، جامعه دچار ناکامی خواهد شد. این، آن اصول اساسی است. به ارزش‌ها توجه کنیم؛ در ارزش‌ها تبعیض قائل نشویم، در چارچوب ارزش‌ها تحول و حرکت به جلو را با جدیت تمام دنبال کنیم»^۱.

بیان تفاوت‌های اساسی بین مفهوم پیشرفت و توسعه

مقام معظم رهبری با به کار بردن مفهوم بومی «پیشرفت» به جای معادل غربی «توسعه» در مواقع مختلف سعی می‌کنند وجه تمایز بین پیشرفت از منظر جامعه اسلامی با توسعه غربی را بیان کرده و برخی مؤلفه‌هایی را که مفهوم پیشرفت دارای آن است برشمارند. با بررسی بیانات معظم‌له به ۹ مورد اساسی از تفاوت‌های مابین پیشرفت و توسعه برمی‌خوریم که عبارتند از:

۱. تفاوت مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی

در تحلیل تفاوت بین دو مفهوم پیشرفت و توسعه، مقام معظم رهبری، مبانی معرفتی مؤثر در پیشرفت مورد نظر اسلام را مورد تأکید قرار داده و می‌فرمایند:

«مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد، هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی‌ای دارد که آن مبانی تعیین‌کننده است و به ما می‌گوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است، چه نوع پیشرفتی نامطلوب است... ما مبانی معرفتی و اخلاقی خودمان را داریم... تأثیر مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی بر نوع پیشرفتی که او می‌خواهد انتخاب کند، یک تأثیر فوق‌العاده است. مبانی معرفتی ما به ما می‌گوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع؛ مطلوب است یا نامطلوب؛ عادلانه است یا غیرعادلانه»^۲.

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۲/۲۳.

۲. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷.

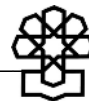
۲. تفاوت در نگاه به انسان

ایشان در تبیین ضرورت تدوین الگوی بومی اسلامی - ایرانی پیشرفت و تفاوت‌های مبنایی پیشرفت با توسعه غربی معتقدند آنچه موجب می‌شود ما الگوی غربی را برای پیشرفت جامعه خودمان ناکافی بدانیم، در درجه اول آن است که نگاه جامعه غربی و فلسفه‌های غربی به انسان با نگاه اسلام به انسان، به‌کلی متفاوت است؛ یک تفاوت بنیانی و ریشه‌ای دارد؛ در همین راستا می‌فرمایند:

«ما حالا باید برای شکستن این طلسم فکر کنیم؛ کدام طلسم؟ این طلسم که کسی تصور کند که پیشرفت کشور باید لزوماً با الگوهای غربی انجام بگیرد. این وضعیت کاملاً خطرناکی برای کشور است. الگوهای غربی با شرایط خودشان، با مبانی ذهنی خودشان، با اصول خودشان شکل پیدا کرده؛ به‌علاوه ناموفق بوده. بنده به‌طور قاطع این را می‌گویم: الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی ناموفق است. درست است که به قدرت رسیده‌اند، به ثروت رسیده‌اند؛ اما بشریت را دچار فاجعه کرده‌اند. پیشرفت‌های غربی، پیشرفت‌هایی است که امروز همه دنیا و همه بشریت دارند از آن رنج می‌برند؛ کشورهای عقب‌مانده یک‌جور، کشورهای پیشرفته یک‌جور. این همان پیشرفت و توسعه‌ای است که توانسته است گروه‌های معدود و انگشت‌شماری از خانواده‌های ثروت را به ثروت برساند؛ اما ملت‌های دیگر را دچار اسارت و تحقیر و استعمار کرده؛ جنگ به‌وجود آورده و حکومت تحمیل کرده است و در داخل خود آن کشورها هم اخلاق فاسد، دوری از معنویت، فحشا، فساد، سکس، ویرانی خانواده و این چیزها را رواج داده. بنابراین، موفق نیست. شما الان اگر آثار ادبی کشورهای غربی - مثلاً فرانسه - را که مربوط به سه قرن یا دو قرن پیش هست، بخوانید، وضع امروز آنجا را هم مطالعه کنید، خواهید دید مردم آنجا از لحاظ اخلاقی به‌میزان بسیار زیادی عقب رفته‌اند.

ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است. چرا می‌گوییم اسلامی و چرا می‌گوییم ایرانی؟ اسلامی به‌خاطر اینکه بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبنایی انسان‌شناختی اسلام استوار است. چرا می‌گوییم ایرانی؟ چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به‌دست آورده؛ اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود. این ملت ما بوده است که توانسته است یا می‌تواند این الگو را تهیه و فراهم کند. پس الگوی اسلامی - ایرانی است.

آنچه که موجب می‌شود ما الگوی غربی را برای پیشرفت جامعه خودمان ناکافی بدانیم، در درجه اول این است که نگاه جامعه غربی و فلسفه‌های غربی به انسان - البته فلسفه‌های غربی مختلفند؛ اما برآیند همه آنها این است - با نگاه اسلام به انسان، به‌کلی متفاوت است؛ یک تفاوت بنیانی و ریشه‌ای دارد، لذا پیشرفت که برای انسان و به وسیله انسان است، در منطق فلسفه غرب معنای دیگری پیدا می‌کند، تا در منطق اسلام. پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است؛ هرچه سود مادی بیشتر شد، پیشرفت بیشتر شده است؛ افزایش ثروت و قدرت.



این، معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال او است؛ منطق غربی و مدل غربی به دنبال او است و همین را به همه توصیه می‌کنند. پیشرفت وقتی مادی شد، معنایش این است که اخلاق و معنویت را می‌شود در راه چنین پیشرفتی قربانی کرد. یک ملت به پیشرفت دست پیدا کند؛ ولی اخلاق و معنویت در او وجود نداشته باشد. اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست. البته پیشرفت مادی مطلوب است، اما به‌عنوان وسیله. هدف، رشد و تعالی انسان است»^۱.

ایشان در ادامه تبیین تفاوت دیدگاه بین جوامع توسعه‌یافته غربی با دیدگاه اسلامی از مفهوم پیشرفت، مجدداً نقطه تفارق اساسی بین این دو را نگاه به انسان می‌دانند و در تبیین این مبحث می‌فرمایند:

«پیشرفت کشور و تحولی که به پیشرفت منتهی می‌شود، باید طوری برنامه‌ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد؛ انسان در آن تحقیر نشود. هدف، انتفاع انسانیت است، نه طبقه‌ای از انسان، حتی نه انسان ایرانی. پیشرفتی که ما می‌خواهیم براساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم، فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست، چه برسد بگویم برای طبقه‌ای خاص. این پیشرفت، برای کل بشریت و برای انسانیت است. نقطه تفارق اساسی، نگاه به انسان است. اینجا یک درنگی بکنیم و من یک مطلب معرفتی اسلامی را در اینجا عرض بکنم:

در اسلام نگاه به انسان از دو زاویه است که این دو زاویه هر دو مکمل همدیگر هستند. این می‌تواند پایه و مبنایی برای همه مسائل کلان کشور و نسخه‌هایی که برای آینده خودمان خواهیم نوشت، باشد.

این دو زاویه‌ای که اسلام از آن به انسان نگاه می‌کند، یکی نگاه به فرد انسان است؛ ... یک نگاه دیگر به انسان، به‌عنوان یک کل و یک مجموعه انسان‌هاست. این دو نگاه با هم منسجمند؛ مکمل یکدیگرند. هرکدام، آن دیگری را تکمیل می‌کند.

در نگاه اول که نگاه اسلام به فرد انسانی است، یک فرد مورد خطاب اسلام قرار می‌گیرد. در اینجا انسان یک رهروی است که در راهی حرکت می‌کند، که اگر درست حرکت کند، این راه، او را به ساحت جمال و جلال الهی وارد خواهد کرد؛ او را به خدا خواهد رساند؛ «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه»^۲. اگر بخواهیم این راه را تعریف کنیم، در یک جمله کوتاه می‌شود گفت این راه، عبارت است از مسیر خودپرستی تا خداپرستی. انسان از خودپرستی به سمت خداپرستی حرکت کند. مسیر صحیح و صراط مستقیم این است. مسئولیت فرد انسان در این نگاه، این است که این مسیر را طی کند. یکایک ما مخاطب به این خطاب هستیم؛ دیگران بروند، نروند؛ حرکت کنند،

۱. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵.

۲. سوره انشقاق، آیه ۶.

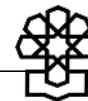
نکنند؛ دنیا را ظلمات کفر بگیرد یا نور ایمان بگیرد، از این جهت تفاوت نمی‌کند. وظیفه هر فردی به‌عنوان یک فرد این است که در این راه حرکت کند؛ «علیکم انفسکم لا یضرکم من ظلّ اذا اهتدیتم»^۱. در همه زمان‌ها، در حکومت پیغمبران، در حکومت طواغیت، یک فرد وظیفه‌اش این است که این کار را انجام دهد و تلاش خودش را بکند. اسلام در این نگاه به انسان به‌عنوان یک فرد، توصیه می‌کند زهد بورزد. زهد یعنی دلباخته و دلبسته دنیا نشود؛ اما در عین اینکه توصیه به زهد می‌کند، قطع رابطه با دنیا و کنار گذاشتن دنیا را ممنوع می‌شمارند.

در زاویه‌ای دیگر در نگاه کلان، همین انسانی که مخاطب به خطاب فردی است، خلیفه خدا در زمین معرفی شده؛ یک وظیفه دیگری به او واگذار شده و آن عبارت است از وظیفه مدیریت دنیا. دنیا را باید آباد کند؛ «و استعمرکم فیها». همین انسان مأمور است که دنیا را آباد کند. آباد کردن دنیا یعنی چه؟ یعنی از استعدادها، فراوان و غیرقابل شمارشی که خدای متعال در این طبیعت قرار داده، این استعدادها را استخراج کند و از آنها برای پیشرفت زندگی بشر استفاده کند.

عین همین مطلب در مورد انسان‌هاست؛ یعنی انسان در این نگاه دوم، وظیفه دارد استعدادهای درونی انسان را استخراج کند؛ خرد انسانی، حکمت انسانی، دانش انسانی و توانایی‌های عجیبی که در وجود روان انسان گذاشته شده، که انسان را به یک موجود مقتدر تبدیل می‌کند. این هم نگاه کلان است. در این نگاه کلان، مخاطب کیست؟ مخاطب، همه افرادند. استقرار عدالت و روابط صحیح، خواسته شده است. از چه کسانی؟ از همه افراد. یکایک افراد جامعه بشری در همین نگاه کلان، مخاطبند؛ یعنی وظیفه و مسئولیت دارند. ایجاد عدالت، ایجاد حکومت حق، ایجاد روابط انسانی، ایجاد دنیای آباد، دنیای آزاد، برعهده افراد انسان است. در این نگاه می‌بینید انسان همه‌کاره این عالم است؛ هم مسئول خود و تربیت خود و تعالی خود و تزکیه و تطهیر خود، هم مسئول ساختن دنیا. این نگاه اسلام است به انسان.

اومانیسم غربی هم انسان‌محور است. اومانیسم - که محور فلسفه‌های قرن نوزدهمی و بعد و قبل از آن است - انسان را محور قرار می‌دهد. اما چه جور انسانی؟ انسان در منطق غرب و اومانیسم غربی، به‌کلی با این انسانی که در منطق اسلام هست، تفاوت دارد. انسان در الگو و نگاه اسلامی موجودی است هم طبیعی و هم الهی؛ دویعدی است؛ اما در نگاه غربی، انسان یک موجود مادی محض است و هدف او لذت‌جویی، کامجویی، بهره‌مندی از لذات زندگی دنیاست، که محور پیشرفت و توسعه در غرب است؛ انسان سودمحور. اما در جهان‌بینی اسلام، ثروت و قدرت و علم، وسیله هستند برای تعالی انسان. در آن جهان‌بینی غربی، ثروت و قدرت و علم، هدفند. انسان‌ها

۱. سوره مائده، آیه ۱۰۵.



تحقیر بشوند، ملت‌ها تحقیر بشوند، میلیون‌ها انسان در جنگ‌ها لگدمال بشوند و کشته بشوند، برای اینکه کشوری به قدرت یا به ثروت برسد یا کمپانی‌هایی سلاح‌های خودشان را بفروشند؛ ایرادی ندارد! تفاوت منطقی، این است»^۱.

به عبارتی ایشان معتقدند که مسائلی در پیشرفت، مدنظر ما و اسلام است که آنها در نظام توسعه‌ای غرب معنا و مفهومی ندارند و به عبارتی موضوع بسیار مهم در پیشرفت را توجه به دوساحتی بودن انسان می‌دانند و می‌فرمایند:

«اسلام انسان را یک موجود دوساحتی می‌داند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه همه مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛ فارق عمده این است»^۲.

ایشان از عدم توجه نظام غرب به ساحت دوم انسان انتقاد می‌کنند و می‌فرمایند:

«اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، برپایه این نگاه به انسان است: اسلام انسان را یک موجود دوساحتی می‌داند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه همه مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛ فارق عمده این است. اگر یک تمدنی، یک فرهنگی و یک آیینی، انسان را تک‌ساحتی دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادی دنیایی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را دو ساحتی می‌داند - به کلی متفاوت خواهد بود. کشور ما و جامعه اسلامی آن وقتی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم را آباد کند، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند. پیغمبران این را می‌خواهند: دنیا و آخرت. نه دنیای انسان باید مغفول‌عنه واقع بشود به توهم دنبال‌گیری از آخرت، نه آخرت باید مغفول‌عنه واقع بشود به خاطر دنبال‌گیری از دنیا. این بسیار نکته مهمی است. اساس، این است. آن پیشرفتی که در جامعه اسلام مورد نظر است، این چنین پیشرفتی است»^۳.

۳. تفاوت در بار ارزشی و معنایی دو مفهوم

معظم‌له در مقامی دیگر، مراد از توسعه‌یافتگی را توضیح می‌دهند و مقصود از توسعه‌یافتگی را غربی شدن می‌دانند. ایشان ضمن آنکه موافق استفاده از جنبه‌های مثبت جوامع توسعه‌یافته با همان مفهوم غربی‌اند، لکن غربی شدن را مطلقاً نفی می‌کنند و می‌فرمایند:

«نکته اول این است که ما وقتی می‌گوییم پیشرفت، نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی بشود. امروز توسعه در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رایجی است. ممکن است

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

۲. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷.

۳. همان.

پیشرفتی که ما می‌گوییم، با آنچه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتماً دارد - اما در نظام واژگانی ما، کلمه پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نیاستی اشتباه بشود. آنچه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی - با همان مختصات و با همان شاخص‌ها - نیست. غربی‌ها یک تاکتیک زیرکانه تبلیغاتی را در طول سال‌های متمادی اجرا کردند و آن این است که کشورهای جهان را تقسیم کردند به توسعه‌یافته، درحال توسعه و توسعه‌نیافته. خوب، در وهله اول انسان خیال می‌کند توسعه‌یافته یعنی آن کشوری که از فناوری و دانش پیشرفته‌ای برخوردار است، توسعه‌نیافته و درحال توسعه هم به همین نسبت؛ درحالی که قضیه این نیست. عنوان توسعه‌یافته - و آن دو عنوان دیگری که پشت سرش می‌آید، یعنی درحال توسعه و توسعه‌نیافته - یک بار ارزشی و یک جنبه ارزشگذاری همراه خودش دارد. در حقیقت وقتی می‌گویند کشور توسعه‌یافته، یعنی کشور غربی! با همه خصوصیاتش: فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت‌گیری سیاسی‌اش؛ این توسعه‌یافته است. درحال توسعه یعنی کشوری که درحال غربی شدن است؛ توسعه‌نیافته یعنی کشوری که غربی نشده و درحال غربی شدن هم نیست. اینجوری می‌خواهند معنا کنند. درواقع در فرهنگ امروز غربی، تشویق کشورها به توسعه، تشویق کشورها به غربی شدن است! این را باید توجه داشته باشید. بله، در مجموعه رفتار و کارها و شکل و قواره کشورهای توسعه‌یافته غربی، نکات مثبتی وجود دارد - که من ممکن است بعضی‌اش را هم اشاره کنم - که اگر بناست ما اینها را یاد هم بگیریم، یاد می‌گیریم؛ اگر بناست شاگردی هم کنیم، شاگردی می‌کنیم؛ اما از نظر ما، مجموعه‌ای از چیزهای ضدارزش هم در آن وجود دارد، لذا ما مجموعه غربی شدن، یا توسعه‌یافته به اصطلاح غربی را مطلقاً قبول نمی‌کنیم. پیشرفتی که ما می‌خواهیم چیز دیگری است»^۱.

به عبارتی شفاف‌ترین بخش از سخنان ایشان در باب توسعه همین مطلب است که علت استفاده از واژه پیشرفت را هم این می‌دانند که آن مفهوم دارای بار ارزشی و معنایی و همراه با التزاماتی است که لزوماً با آن موافق نیستند، ایشان مسئله توسعه کشور و توجه به ارزش‌های معنوی را مکمل هم می‌دانند و در این خصوص معتقدند اسلام می‌تواند همه امور از جمله علم، پیشرفت، صنعت، رفاه و ... را برای ما فراهم کند.

۴. تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه‌یافتگی و معنوی زیستن و اخلاقی بودن

بر همین اساس در جایی دیگر به تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه‌یافتگی و معنوی

۱. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷.



زیستن و اخلاقی بودن اشاره می‌کنند و این دو را از نظر اسلام برخلاف توسعه‌یافتگی غربی در تضاد نمی‌دانند و می‌فرمایند:

«یک توهم خطرناکی در ذهن‌ها وجود داشت، تزریق شده بود - شاید در بعضی از ذهن‌ها هنوز هم این توهم وجود داشته باشد - و آن عبارت بود از توهم تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه‌یافتگی از یک طرف و معنوی زیستن و اخلاقی زیستن از طرفی دیگر. باور شده بود برای بعضی که اگر جامعه بخواهد عقلانی و عملگرا و رونده و شتاب‌گیرنده در راه پیشرفت زندگی بکند، ناچار است از اخلاقیات و معنویات و دین و خدا فاصله بگیرد! اگر به همبستگی اخلاقی فکر کردیم، به معنویات دل بسته بودیم، ملاحظه ضوابط و حدود دینی و اخلاقی را کردیم، ناچاریم از پیشرفته بودن کشور صرف‌نظر کنیم؛ از زندگی عقلانی چشم‌پوشیم! یک چنین توهمی وجود داشته. دلایل تاریخی روشنی هم دارد این گمان؛ این گمان باطل و دلایل جامعه‌شناسی هم دارد»^۱.

و در جایی دیگر هدف اسلام را پیشرفت علم و پیشرفت و اعتلای اقتصادی در معنای عام آن می‌دانند و معتقدند:

«گرچه اسلام نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعلاای اسلام عبارت است از ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی، لکن بدون شک پیشرفت علم و پیشرفت و اعتلای اقتصادی جزء هدف‌های اسلامی است؛ هنوز بیش از دو قرن از عمر این تمدن نگذشته بود که دنیای بزرگ اسلامی در آن روز، قله تمدن بشری از لحاظ علم و انواع دانش و پیشرفت‌های مدنی و اقتصادی شد؛ این نبود مگر به برکت تعالیم اسلام. اسلام به ما نمی‌گوید که ما معنویت را ملاحظه کنیم، اما از متن زندگی جامعه انسانی غافل بمانیم. ما باید برای استقلال امت اسلامی و برای عزت آن، همه تدابیر لازم را به‌کار ببریم، که یکی از مهمترین آنها، مسئله اقتصاد است. بنابراین، تلاش برای رشد و توسعه و اعتلای جنبه اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بلاشک جزء هدف‌های اسلامی است»^۲.

۵. غرق شدن در حیات مادی و فراموش کردن ارزش‌های معنوی و ایجاد شکاف بین طبقات جامعه

معظمه در ادامه بیان خویش درخصوص تفاوت توسعه غربی با پیشرفت از منظر نظام اسلامی از غرق شدن در حیات مادی و فراموش کردن ارزش‌های معنوی و ایجاد شکاف بین طبقات جامعه در جوامع غربی نام می‌برند و معتقدند:

۱. بیانات در بازدید از توانمندی‌های صنعت خودروسازی، ۱۳۸۹/۱/۹.

۲. بیانات در دیدار با اقتصاددانان شرکت‌کننده در اجلاس بانک توسعه اسلامی، ۱۳۸۳.

«این خطاست اگر خیال کنیم اسلام با پیشرفت و توسعه و رفاه مادی جامعه مخالف است؛ به هیچ وجه این طور نیست. جامعه‌ای که در آن، پیشرفت علمی و عملی، پیشرفت فناوری و پیشرفت دنیایی مردم وجود داشته باشد؛ اسلام این را برای پیروان خود می‌پسندد. تشویق اسلام به علم و عمل و تلاش و فعالیت، از همین جهت است. سنت الهی بر این قرار گرفته است که هر ملتی تلاش و کار کند، بدون تردید نتیجه آن را خواهد دید. بنابراین اسلام حیات مادی مردم را هم تأمین می‌کند؛ منتها غرق شدن در حیات مادی، فراموش کردن ارزش‌های معنوی، ایجاد شکاف بین طبقات جامعه، و فاصله انداختن بین قشرهای مختلف مردم را نمی‌پسندد و نمی‌پذیرد و این، نظام اسلامی را ممتاز کرده است.»^۱

۶. تفاوت در نگاه به عدالت و لزوم وجود آن

مقام معظم رهبری در ارائه تفاوت پیشرفت اسلامی و توسعه غربی از عدالت نام می‌برند و معتقدند: «امروز در دنیا کشورهای توسعه‌یافته بسیارند، اما در آنها عدالت وجود ندارد؛ اینها الگوی نظام جمهوری اسلامی نیستند. الگوی نظام جمهوری اسلامی، الگوی اسلامی است؛ یعنی الگوی پیشرفت و توسعه و رفاه، همراه با عدالت و برادری و محبت و عطفیت بین قشرها و پر شدن شکاف بین فقیر و غنی در جامعه. پیشرفت جامعه به این شکل که با معنویت همراه است، مورد نظر اسلام است.»

ملت‌های مسلمان تا قبل از آنکه انقلاب اسلامی به صحنه بیاید، می‌پنداشتند نام عدالت در اردوگاه چپ و سوسیالیستی است و رفاه و پیشرفت مادی در اردوگاه راست - یعنی نظام سرمایه‌داری - قرار دارد. اسلام به صحنه آمد؛ وعده زندگی همراه با رفاه مادی و عدالت اجتماعی را به مردم داد و آنها مجذوب این شعار و این حرکت عظیم شدند؛ لذا در تمام دنیای اسلام، نام انقلاب اسلامی و نام امام این انقلاب برای مردم به صورت یک خورشید درخشان و یک نقطه پرجاذبه درآمد.^۲

در جای دیگر پیشرفت مدنظر جامعه اسلامی را این‌گونه بیان می‌کنند:

«اسلام به ملت‌ها رفاه و پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی هم می‌دهد. آن پیشرفت اقتصادی که فاصله بین طبقات مردم را زیاد کند، مورد نظر اسلام نیست. آن نسخه اقتصادی که امروز کشورهای غربی برای مردم دنیا می‌پیچند و ارائه می‌دهند که طبقاتی را مرفه می‌کند و رونق اقتصادی را بالا می‌برد و به قیمت ضعیف شدن و فقیر شدن و زیر فشار قرار گرفتن طبقاتی از جامعه تمام می‌شود؛ این را اسلام نمی‌پسندد. رفاه اقتصادی همراه با عدالت، همراه با روح مواسات

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان، ۱۳۸۴/۲/۱۸.



و همراه با روح برادری، باز در سایه اسلام به دست می‌آید»^۱.

معظم له معتقدند که ما هم باید توسعه‌محور باشیم و هم عدالت‌محور.

«دوستان به مسئله کوچک کردن، خصوصی‌سازی و حجم زیاد و فربه دولت اشاره کردند، که اینها همه مورد تأیید است. من این نکته را عرض کنم: ما در زمینه همه فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن، باید توجه کنیم که ما هم توسعه‌محوریم، هم عدالت‌محور. ما طبق برخی از سیاست‌هایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها با هم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند اینها با هم نمی‌سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم. این نکته باید در همه موارد؛ هم در کاهش حجم دولت، هم در مسئله خصوصی‌سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود»^۲.

ایشان به صراحت بیان می‌دارند که در مورد توسعه، این مردم هستند که باید محور قرار گیرند و یکی از شاخص‌های اصلی توسعه‌یافتگی را وجود عدالت در همه ارکان برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و اجرا می‌داند و هر الگویی را که در آن عنصر عدالت وجود نداشته باشد از نظر جامعه اسلامی مردود می‌شمارند.

«در عرصه اجتماعی، توسعه باید با مردم گره بخورد؛ مردم باید محور توسعه باشند. عدالت حتماً یکی از شاخص‌های اصلی است. برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌ای که عدالت و توزیع عادلانه ثروت را در جامعه ندیده بگیرد، نمی‌تواند چشم‌انداز مورد نظر ما را تأمین کند و برنامه مطلوب ما نیست. چون برادران سازمان مدیریت و کارشناسان و برنامه‌ریزان اینجا هستند، این مطلب را می‌گوییم: توجه کنید حتماً عنصر عدالت اجتماعی و اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت رعایت شود. نمی‌گوییم همه درآمد برابر داشته باشند - اینکه مورد بحث نیست - اما نمی‌توانیم از عنصر عدالت که یکی از اساسی‌ترین عناصر در نظام جمهوری اسلامی است، صرف‌نظر کنیم؛ باید حتماً رعایت شود»^۳.

در جای دیگری می‌فرمایند: «بسیار بجاست که در عناصر اصلی الگوی توسعه - که از نظر این مجموعه، افزایش سرانه، افزایش آموزش و افزایش سلامت مدنظر است - استقرار عدالت هم که روح همه اینهاست، در نظر گرفته شود و برنامه‌ها و اقدام‌ها و پروژه‌هایی را که در کشورهای

۱. بیانات در دیدار با میهمانان داخلی و خارجی دهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸/۳/۱۲.

۲. بیانات در دیدار با رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۳/۶/۴.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۸۲.

اسلامی انجام می‌دهیم، با توجه به استقرار عدالت اجتماعی باشد؛ این یکی از تعالیم بزرگ اسلام است، که ما در هر حرکت اقتصادی باید به آن توجه کنیم»^۱.

۷. فراموش کردن اصول ارزشی، اخلاقی، دینی و ایمان

ایشان در تبیین مفهوم پیشرفت می‌فرمایند که مشکل ملت‌هایی که نتوانسته‌اند آن چنان که انتظار دارند رشد و پیشرفت کنند فراموش کردن اصول ارزشی، اخلاقی و دینی صحیح است:

«بدیهی است که هر ملتی برای تأمین سعادت و عزت خود نیازمند به حرکت سازندگی در کشور خود می‌باشد. مشکل ملت‌هایی که نمی‌توانند با تلاش سازنده، کشور خود را از حسیض فقر و وابستگی و تبعیض و فساد سیاسی و اخلاقی نجات دهند آن است که: سازندگی را با فراموش کردن اصول ارزشی و اخلاقی و دینی صحیح، طلب می‌کنند و به دنبال سراب سازندگی، خود را در دام بیگانگان یا در ورطه فساد مالی و سیاسی و اخلاقی می‌افکنند. نتیجه آن است که به نام پیشرفت ظاهری کشور، انسانیت و شرف و استقلال خود را از دست می‌دهند و غالباً حتی به سازندگی پایه‌های مادی کشور خود هم توفیق نمی‌یابند و دنیا و آخرت و ماده و معنی را یکجا فدای غفلت خود می‌کنند»^۲.

ایشان در ادامه از ایمان به عنوان عامل آسایش و آرامش و تکمیل‌کننده پیشرفت مادی نام می‌برند:

«این راهی است که بشر را به آرامش روانی می‌رساند؛ یعنی همان چیزی که امروز دنیا در فقدان آن، در حال التهاب است. پیشرفت مادی هست، پیشرفت فناوری و علمی هست، ثروت‌های کلان در دست جوامع هست؛ اما آسایش نیست، آرامش نیست. این به خاطر کمبود این عنصر اساسی در زندگی انسان است، که عبارت است از ایمان.

اساس کار در نظام اسلامی ایمان است، که باید این ایمان را تأمین کرد؛ نه فقط در دل، بلکه در عمل، در برنامه‌ریزی‌ها و در همه اقدام‌ها»^۳.

۸. جهان‌بینی اسلامی

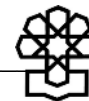
مقام معظم رهبری در تبیین این نکته که ما با چه مدل توسعه و پیشرفتی موافقیم و به دنبال چه الگویی از پیشرفتیم می‌فرمایند:

«بنابراین، آن چیزی که ما به آن نیاز داریم، این است که نقشه پیشرفت کشورمان را براساس

۱. بیانات در دیدار با اقتصاددانان شرکت‌کننده در اجلاس بانک توسعه اسلامی، ۱۳۸۳/۶/۲۵.

۲. پیام به مناسبت افتتاح دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۳/۱۱.

۳. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۱/۱.



جهان بینی اسلام برای این انسان، انسان در منطق اسلام، فراهم و تهیه کنیم. در این نقشه پیشرفت و تحول، دیگر معنا ندارد که پیشرفت با فحشا، با غوطه خوردن در منجلاب فساد همراه باشد. معنویت، پایه اساسی این پیشرفت خواهد بود. پیشرفتی که محورش انسان است و انسانی که دارای بُعد معنوی قوی است و انسانی که علم و دنیا و ثروت و فعالیت زندگی را وسیله‌ای قرار می‌دهد برای تعالی روحی و رفتن به سوی خدای متعال، این پیشرفت با آن پیشرفت خیلی متفاوت است.^۱

معظم‌له در جای دیگر درخصوص اینکه الگوی نظام جمهوری اسلامی، الگوی اسلامی است و نه الگوهای کشورهای توسعه‌یافته معتقدند که: «امروز در دنیا کشورهای توسعه‌یافته بسیاریند، اما در آنها عدالت وجود ندارد؛ اینها الگوی نظام جمهوری اسلامی نیستند. الگوی نظام جمهوری اسلامی، الگوی اسلامی است؛ یعنی الگوی پیشرفت و توسعه و رفاه، همراه با عدالت و برادری و محبت و عظوفت بین قشرها و پرشدن شکاف بین فقیر و غنی در جامعه، پیشرفت جامعه به این شکل که با معنویت همراه است، مورد نظر اسلام است».^۲

ایشان بیان می‌دارند که طی سالیان گذشته ادراک‌ها از مفهوم پیشرفت تغییر کرده است و درحال حاضر نگاه به پیشرفت و مقصود ما از آن پیشرفت اسلامی - ایرانی است.

«در دهه اول، پیشرفت را بسیاری از انقلابیون در الگوی چپ؛ چپ دهه شصت، یعنی الگوی گرایشمنند به سوسیالیسم می‌دیدند. هر کس هم مخالفت می‌کرد، یک تهمتی، لکه‌ای، چیزی متوجهش می‌کردند. یک عده‌ای از مسئولین، دست‌اندرکاران، فعالین عرصه کار در جمهوری اسلامی، نگاهشان نگاه حاکمیت دولت و مالکیت دولت بود؛ خوب، این نگاه، نگاه غلطی بود. نگاه به پیشرفت کشور از زاویه دید تفکر شرقی سوسیالیستی چپ محسوب می‌شد؛ این غلط بود. البته غلط بودن این خیلی زود فهمیده شد، حتی آن کسانی که آن روز مروج همین دیدگاه بودند، ناگهان صد و هشتاد درجه برگشتند! آن افراط به یک تقریب حالا تبدیل شد.

یک برهه‌ای از زمان، نگاه به پیشرفت، نگاه غربی بود؛ یعنی همان راهی که آنها رفتند، اینها هم باید بروند؛ تصورشان این بود. خودشان را در حد انگلیس و فرانسه و آلمان هم نمی‌دیدند؛ در حد همین کشورهایایی مثل کره جنوبی می‌دیدند. این هم رد شد. امروز در ذهن و فکر مسئولان و به‌صورت یک گفتمان عمومی در ذهن نخبگان و فرزندان، نقشه پیشرفت غربی کشور رد شده است؛ غلط از آب درآمده است. علتش هم این است که انتقاد از نقشه پیشرفت به شیوه غربی، امروز مخصوص ملت‌های شرق نیست، مخصوص ما نیست؛ خود اندیشمندان غربی، خود فرزندان غربی، زبان به انتقاد گشوده‌اند؛ هم در زمینه‌های اقتصادی، هم در زمینه‌های اخلاقی، هم در زمینه‌های

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸.

سیاسی. همان چیزی که به آن افتخار می‌کردند به‌عنوان لیبرال دمکراسی، امروز مورد انتقاد است؛ پس این هم نقشه پیشرفت نیست. امروز ما اینها را می‌دانیم. البته نقشه پیشرفت اسلامی - ایرانی چیست؟ این باید تدوین شود، باید روشن شود، باید ابعاد و زوایایش مشخص شود؛ این کار به‌طور کامل انجام نگرفته است و باید بشود. اما همینی که ما فهمیده‌ایم که باید برگردیم به نقشه اسلامی - ایرانی، این خودش موفقیت بزرگی است. این موفقیت را امروز داریم»^۱.

ایشان در چگونگی عمل به تبیین الگوی مورد نظر و لزوم استفاده از مبانی اسلام می‌فرمایند: «من می‌خواهم بگویم مجموعه دانشگاهی کشور ما، مجموعه نخبگان کشور ما - هم حوزه و دانشگاه - یکی از بزرگ‌ترین کارهاشان باید این باشد که نقشه جامع پیشرفت کشور را براساس مبانی اسلام تنظیم کنند؛ دل به الگوی غربی و مدلسازی‌های غربی نسپرند. او نمی‌تواند کشور را نجات بدهد؛ او نمی‌تواند پیشرفت کشور ما را تنظیم کند. کسانی که در مراکز برنامه‌ریزی یا در مراکز علمی و تحقیقی هستند و راجع به اقتصاد، راجع به سیاست، راجع به سیاست بین‌المللی و راجع به مسائل حیاتی دیگر کشور کار و فکر می‌کنند، دنبال این نباشند که فرمول‌های غربی را؛ فرمول‌های اقتصادی غرب، فرمول‌های بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول را با مسائل کشور تطبیق کنند؛ نه، آن نظریه‌ها، نظریه‌های مفید برای ما نیست. البته از علمشان استفاده می‌کنیم؛ ما تعصب نداریم. هر جا پیشرفت علمی، تجربه علمی باشد، استفاده می‌کنیم. از مصالح استفاده می‌کنیم؛ اما نقشه را برطبق فکر خودمان، برطبق نیاز خودمان بایستی بریزیم»^۲.

درخصوص اسلامی بودن الگو نیز معتقدند که:

«به‌خاطر اینکه غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم. خوشبختانه منابع اسلامی هم در اختیار ما وجود دارد؛ قرآن هست، سنت هست و مفاهیم بسیار غنی و ممتازی که در فلسفه ما و در کلام ما و در فقه ما و در حقوق ما وجود دارد. بنابراین «اسلامی» هم به این مناسبت است»^۳.

۹. اقتضائات فرهنگی، تاریخی، مواریث و اعتقادی جامعه ایرانی

مقام معظم رهبری در تبیین نظرات خویش درخصوص لزوم برخورداری کشور از یک الگوی بومی توسعه و پیشرفت ضمن بیان برخی کاستی‌های الگوهای توسعه غربی به صراحت توسعه مورد

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۴/۲/۱۳۸۷.

۲. بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶.

۳. نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰/۹/۱۳۸۹.



نظر نظام را بیان و تحلیل می‌کنند که ما به دنبال چه نوع توسعه‌ای می‌گردیم. از نظر ایشان، مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارث و اعتقادات و ایمان مردم یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است و اعتقاد دارند که از هیچ‌جا نباید تقلید کرد و درخصوص ضرورت تدوین الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی می‌فرمایند:

«ما دنبال چه نوع توسعه‌ای هستیم؟ این نکته اساسی، در بحث‌های اقتصادی و غیراقتصادی جاری است. کسانی دنبال این هستند که حرفی را پرتاب کنند و ذهن مردم را از مسائل اصلی دور نگه دارند: مدل چینی، مدل ژاپنی، مدل فلان. مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است؛ از هیچ‌جا نباید تقلید کرد؛ نه از بانک جهانی، نه از صندوق بین‌المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست؛ هرچا اقتضایی دارد. فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدل‌های تحمیلی و القایی و غالباً هم منسوخ. بنده می‌بینم گاهی بعضی از شیوه‌هایی که در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و غیره پیشنهاد می‌شود، از دیگران گرفته شده - فلان متفکر فرنگی این‌طوری گفته، فلان متفکر کجایی این‌طوری گفته - مثل اینکه به آیات قرآن استناد می‌شود! خیلی از شیوه‌ها منسوخ است؛ سی سال پیش، چهل سال پیش، پنجاه سال پیش تجربه شده، بعد یک روش بهتر آورده‌اند؛ ولی ما الان می‌خواهیم از روش منسوخ آنها در آموزش و پرورش، در مسائل علمی، در کارهای دانشگاهی، در کارهای اقتصادی و در برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی استفاده کنیم؛ نه، این درست نیست. از تجربه‌ها و دانش‌ها باید استفاده کرد، اما الگو و شیوه و مدل را باید کاملاً بومی و خودی انتخاب کرد»^۱.

ایشان در بیان لزوم تدوین این الگو در جای دیگر می‌فرمایند:

«چرا لزوم این کار [مدل‌سازی و الگوسازی درخصوص پیشرفت] را باید بیان کرد؟ خیلی ساده است؛ به‌خاطر اینکه امروز در چشم بسیاری از نخبگان ما، بسیاری از کارگزاران ما، مدل پیشرفت صرفاً مدل‌های غربی است؛ توسعه و پیشرفت را باید از روی مدل‌هایی که غربی‌ها برای ما درست کرده‌اند، دنبال و تعقیب کنیم. امروز در چشم کارگزاران ما این است و این چیز خطرناکی است؛ چیز غلطی است؛ غربی‌ها با تبلیغات موفق خودشان توانسته‌اند این باور را در بسیاری از ذهن‌ها به‌وجود بیاورند که توسعه‌یافتگی مساوی است با غرب و غربی شدن! هر کشوری بخواهد کشور توسعه‌یافته‌ای محسوب بشود، باید غربی بشود! این تبلیغات آنهاست. هر کشوری که از الگوهای موجود غرب فاصله داشته باشد، توسعه‌یافته نیست! و هرچه فاصله‌اش بیشتر، فاصله‌اش

۱. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۲۷.

از توسعه‌یافتگی بیشتر! این‌طوری می‌خواهند جا بیاندازند و متأسفانه در ذهن‌ها جا انداخته‌اند»^۱.
معظم‌له درخصوص دو مؤلفه اصلی الگوی پیشرفت و توسعه‌ای بومی درخصوص ایرانی بودن الگو، می‌فرمایند که:

«شرایط تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اقلیمی، جغرافیای سیاسی در تشکیل این الگو تأثیر می‌گذارد... یعنی ما نمی‌خواهیم این را از دیگران بگیریم؛ ما می‌خواهیم آنچه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت کشورمان می‌دانیم، آینده‌مان را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم. بنابراین، این الگو ایرانی است».

ایشان معتقدند که باید به معنای مطلوب توسعه توجه کنیم.

«در برنامه‌ریزی توسعه کشور، آن چیزی که خیلی مهم است، این است که ما ببینیم عمده‌ترین مرکز سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی ما باید کجا باشد؛ چون بدیهی است سرمایه مادی و سرمایه معنوی - یعنی همت و نیروی انسانی و انگیزه - نامحدود نیست. اگر می‌خواهیم کشور را به توسعه برسانیم - توسعه به معنای مطلوب و منظور خودمان، نه لزوماً توسعه به معنای رایج غربی - ببینیم کجاها باید بیشتر برای سرمایه‌گذاری متمرکز شویم»^۲.

در عین حال معظم‌له معتقدند که نباید از نقاط اشتراک توسعه غربی با پیشرفت اسلامی نیز غفلت کرد: «مطلب بعدی این است که ما اگر نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی را با توسعه غربی می‌شماریم، نباید از نقاط اشتراک غفلت کنیم؛ یک نقاط اشتراکی هم وجود دارد که اینها در توسعه کشورهای توسعه‌یافته غربی کاملاً وجود داشته؛ روح خطرپذیری - که انصافاً جزء خلیقات و خصال خوب اروپایی‌هاست - روح ابتکار، اقدام و انضباط، چیزهای بسیار لازمی است؛ در هر جامعه‌ای که اینها نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد. اینها هم لازم است. ما اگر باید اینها را یاد بگیریم، یاد هم می‌گیریم؛ اگر هم در منابع خودمان باشد، باید آنها را فرا بگیریم و عمل کنیم»^۳.

نتیجه‌گیری

با مطالعه و بررسی نظریات و بیانات مقام معظم رهبری به‌عنوان عالی‌ترین مقام سیاسی کشور درخصوص مفهوم پیشرفت متوجه می‌شویم که این مفهوم دارای بار ارزشی و معنایی بوده و لازم است تا همه دست‌اندرکاران امر برنامه‌ریزی، تدوین و نگارش الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بدان

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.

۲. بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹.

۳. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷.



احاطه کامل داشته باشند. به عبارتی با توجه به تفاوت بنیانی مابین مفهوم پیشرفت، مدنظر مقام معظم رهبری که به عنوان سکандار نظام اسلامی در صدر آنند با مفهوم توسعه در معنای رایج آن، دریافت می‌شود که ضروری است تا این مفهوم تبیین شده و تفاوت‌های معنایی، کارکردی و کاربردی آن با توسعه شناسایی شود. ایشان در مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۵ تصریح کرده‌اند که دستور کار قطعی نظام دنبال کردن الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی است. در نگاه معظم‌له، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید بر محور عدالت و معنویت باشد و ضرورت طراحی آن در بسته نظام مقدس جمهوری اسلامی به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، اعتقادات و ایمان مردم توجه شود؛ الگوی فوق باید با تأکید بر ضرورت تضمین‌کننده استقلال در کشور، حفظ قدرت تصمیم‌گیری در الگوی پیشرفت کشور به عنوان یک شاخص و عدم غفلت و دستیابی به پیشرفت ظاهری و عدم دنباله‌روی از غرب تهیه و تدوین شود و در آن ارتقای امنیت عمومی، انضباط اجتماعی، ارتقای استقلال و اقتدار برای کشور ایران اسلامی در عین دستیابی به شاخص‌های ذکر شده دیگر مدنظر قرار گیرد. از بررسی نظرات و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درمی‌یابیم که پیشرفت و تولید بومی در انواع علوم، رشد و شکوفایی و نوآوری استعداد ایرانی در آن را با سرعت و شتابی جهشی و حرکتی جهادگونه لازمه پیشرفت همه‌جانبه می‌دانند؛ بنابراین لازم است که تصمیم‌گیران، تصمیم‌سازان و طراحان الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، خصوصاً جامعه دانشگاهی و نخبگان مؤثر در آن معیارهای فوق را در بستر نظام اسلامی برای طراحی و تدوین الگو، مورد توجه قرار دهند. قطعاً لازم است با توجه به تفاوت‌های ذکر شده در خصوص معنای پیشرفت با توسعه غربی، ضمن توجه به نقاط افتراق آن، در مبانی معرفتی در انتخاب نوع پیشرفت، نکات مثبت سایر مدل‌های توسعه‌ای را هم مورد توجه قرار داد، لکن در مسیر پیشرفت، ایده‌پردازی علمی و منطقی به همراه پرهیز از شتاب‌زدگی در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، انعطاف‌پذیری در آن متناسب با تغییر شرایط، طراحی و تدوین یک نقشه جامع در همه زمینه‌های پیشرفت را نیز با توجه به محتوای واژه اسلامی - ایرانی جزء ارکان الگوی فوق در نظر بگیرند.

در پایان با توجه به حکم ماده (۱) قانون برنامه پنجم توسعه کشور مبنی بر تدوین الگوی توسعه اسلامی - ایرانی توسط دولت و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی تا پایان سال ۱۳۹۲ لازم است دولت محترم با به‌کارگیری توان کارشناسی خود و ظرفیت‌های دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه توجه ویژه‌ای به طراحی چارچوب الگویی متمایز با لحاظ ویژگی‌های مدنظر رهبر معظم انقلاب کند تا در آینده تجربه‌های برنامه‌ریزی و سیاستگذاری غیرمتناسب با شرایط بومی و اهداف دینی تکرار نشوند.

منابع و مآخذ

- منابع، مآخذ ذیل (از شماره ۱ الی ۲۸) از سایتهای www.khamenei.ir، www.leader.ir و دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای استخراج شده است.
۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک، ۱۳۷۹/۰۸/۲۴.
 ۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸.
 ۳. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۰۱/۰۱.
 ۴. بیانات در بازدید از توانمندی‌های صنعت خودروسازی، ۱۳۸۹/۱/۹.
 ۵. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۲/۲۳.
 ۶. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳.
 ۷. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۳۸۵.
 ۸. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷.
 ۹. بیانات در دیدار با اقتصاددانان شرکت‌کننده در اجلاس بانک توسعه اسلامی، ۱۳۸۳/۶/۲۵.
 ۱۰. بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸.
 ۱۱. بیانات در دیدار با رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۳/۶/۴.
 ۱۲. بیانات در دیدار با مردم استان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۷.
 ۱۳. بیانات در دیدار با میهمانان داخلی و خارجی دهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸/۰۳/۱۲.
 ۱۴. بیانات در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷.
 ۱۵. بیانات در دیدار دانشجویان سراسر کشور، ۱۳۸۷/۰۷/۰۷.
 ۱۶. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۹.
 ۱۷. بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه ماه محرم، ۱۳۷۵/۰۲/۲۶.
 ۱۸. بیانات در دیدار طلاب و اساتید مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۱.
 ۱۹. بیانات در دیدار مدیران صداوسیما، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵.
 ۲۰. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۵/۱۵.
 ۲۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.
 ۲۲. بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹.
 ۲۳. بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۳/۲۷.
 ۲۴. بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰.
 ۲۵. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵.
 ۲۶. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴.
 ۲۷. پیام به مناسبت افتتاح دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۳/۱۱.
 ۲۸. دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸.
 ۲۹. کوزنتس، سیمون. رشد نوین اقتصادی، ترجمه مرتضی قره‌باغیان، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲.
 ۳۰. ماتور، پی. ان. معماری توسعه‌نیافتگی، ترجمه علی‌اصغر بانویی و محمدقلی یوسفی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۶.



۳۱. محمود متوسلی، توسعه اقتصادی مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی، انتشارات

سمت، ۱۳۸۲.

32. Sen, Amartya; "Development: which way Now?", Economic, journal. 1983.

33. Joseph Alison, Schumpeter; "The Theory of Economic Development", Transaction Publishers, 1934.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۶۵۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: درباره الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و عدالت تبیین «پیشرفت» (با تکیه بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری)

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه توسعه و برنامه‌ریزی)

تهیه و تدوین: ایمان تهرانی

ناظر علمی: سیداحسان خاندوزی

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار ادبی: قاسم میرخانی

واژه‌های کلیدی:

۱. پیشرفت

۲. توسعه

۳. الگوی اسلامی - ایرانی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۲/۲۸